



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

عزیزان

تجربینہ بر آثار و عا
در باور، اندیشہ، روان و رفتار فرد و جامعہ

بیانات

آیت اللہ سید محمد رضا مدنی طباطبائی بروجردی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دعا هدیه آسمانی

نویسنده:

محمد رضا مدرسی یزدی

ناشر چاپی:

کریمه اهل بیت (علیهم السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	دعا هدیه آسمانی
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۳	فهرست
۱۷	اهمیت دعا
۲۱	مقایسه ای بین دعا، قرائت قرآن و نماز
۲۵	دعا، سلاح مؤمن، ستون دین و نور آسمان ها و زمین
۲۹	دعا، دگرگون کننده ی قضا و قدر الهی
۳۱	ده ویژگی برای دعا
۳۱	اشاره
۳۱	(۱) نزدیک شدن به خداوند متعال، ویژگی تخلف ناپذیر دعا
۳۳	(۲) برآورده شدن نیاز
۳۵	(۳) عمق بخشیدن به حقایق و نهادینه کردن آن ها در جان، در مقابل غفلت ها
۳۷	(۴) تربیت اطرافیان
۴۲	(۵) ابراز محبت به دیگران و جلب محبت آن ها
۵۰	(۶) افشاندن بذر دوستی خوبان و ترویج دشمنی ستمکاران
۵۷	(۷) اظهار عقاید حقه و شناساندن اولیای الهی
۶۲	(۸) روشن بودن نور امید، در سخت ترین و تاریک ترین شرایط
۶۹	(۹) آخرین تلاش، جهت روشن کردن حق و رسوا نمودن معاندان حق
۷۲	(۱۰) خروج از بطالت و بی ارزشی
۷۸	هشدار به انحرافی بزرگ در مقیاس توحید و شرک
۷۸	اشاره

آخرین شیگرد منحرفین - ۸۳

درباره مرکز ۹۸

دعا هدیه آسمانی

مشخصات کتاب

سرشناسه : مدرّسی طباطبایی یزدی، سید محمدرضا، ۱۳۳۴.

عنوان و نام پدیدآور: دعا هدیه آسمانی / سید محمدرضا مدرّسی طباطبایی یزدی

ویرایش و نشر: گروه معارف موسسه ی پر تو ثقلین

ویراستار: حجت الاسلام محمد میرزایی مشخصات

ناشر: قم: انتشارات کریمه اهل بیت علیها السلام

مشخصات ظاهری: ۸۱ ص.

شابک : ۹ - ۷۰۲۵۱ - ۷۸۷ - ۹۶۴ قیمت: ۹۰۰۰ ریال

یادداشت: فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا

یادداشت: کتاب نامه به صورت زیرنویس.

موضوع : دعا

رده بندی کنگره: ۶ج ۲۶ق / ۴/۶۴۱ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷

شماره کتاب شناسی ملی: ص ۷۷-۶۸۱۰۷

دفتر مرکز پخش / قم خ شهدا، کوچه ۲۷، کوچه ناصر، پلاک ۱۲۶

تلفن / ۰۲۵۱۷۸۳۱۳۴۶ ۰۹۱۹۶۶۵۴۰۸۱

ص: ۱

اشاره

ص: ۶

﴿يَسْأَلُهُ مَنْ

فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ﴾

هر که در آسمان ها و زمین است، از او درخواست می کند، هر روز (پیوسته) او در کاری است.

الزَّحْمَنِ ، آیه ۲۹

ص: ۷

فهرست

اهمیت دعا ۱۱

مقایسه ای بین دعا، قرائت قرآن و نماز ۱۵

دعا، سلاح مؤمن، ستون دین و نور آسمان ها و زمین ۱۹

دعا، دگرگون کننده ی قضا و قدر الهی ۲۴

ده ویژگی برای دعا ۲۵

(۱) نزدیک شدن به خداوند متعال، ویژگی تخلف ناپذیر دعا ۲۶

(۲) برآورده شدن نیاز ۲۷

(۳) عمق بخشیدن به حقایق و نهادینه کردن آنها در جان، در مقابل غفلت ها ۲۹

(۴) تربیت اطرافیان ۳۱

(۵) ابراز محبت به دیگران و جلب محبت آن ها ۳۶

(۶) افشاندن بذر دوستی خوبان و ترویج دشمنی ستمکاران ۴۴

(۷) اظهار عقاید حقه و شناساندن اولیای الهی ۵۲

(۸) روشن بودن نور امید، در سخت ترین و تاریک ترین شرایط ۵۶

(۹) آخرین تلاش، جهت روشن کردن حق و رسوا نمودن معاندان حق ۶۳

(۱۰) خروج از بطالت و بی ارزشی ۶۶

هشدار به انحرافی بزرگ در مقیاس توحید و شرک ۷۲

آخرین شیگرد منحرفین ۷۸

ص: ۹

الحمد لله رب العالمین

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

و لعنه الله على أعدائهم أجمعين (۱)

دعا و دعوت، به معنای خواندن و ندا کردن است. همین که بگوییم: یا الله! این خود، دعاست؛ چون خواندنِ خداست. و در بسیاری از موارد، وقتی می‌گوییم «دعا» (خواندن) مقصود «خواندن خداوند» است. البته خودِ خواندنِ خداوند متعال لذت بخش و کمال آفرین است، و سعادت برای انسان می‌باشد:

ذِكْرُ اللَّهِ مَسْرَّةٌ كُلُّ مُتَّقٍ وَ لَذَّةٌ كُلُّ مُوقِنٍ (۲)؛

-
- ۱- این کتاب، ویراسته و تتمیم یافته‌ی هفت سخنرانی از میان سی سخنرانی می‌باشد، که در ماه مبارک رمضان ۱۴۳۲ ه. ق، از سیمای مرکز یزد پخش گردیده است. بخش‌هایی از مطالب سخنرانی‌های هفت‌گانه نیز از سیمای جمهوری اسلامی ایران، شبکه ی ۱، در شب ۲۶ ماه مبارک رمضان ۱۴۳۲ ه. ق، ارائه شد. (برنامه‌ی این شب‌ها)
- ۲- غررالحکم، ح ۳۶۵۳، ص ۱۸۹. تذکر: عمدتاً در منابع مورد ارجاع، از نرم افزارهای نور استفاده گردیده است، و نیز در ترجمه‌های آیات قرآن کریم و روایات، از ترجمه‌های موجود در این نرم افزارها، بهره برده شده است.

ص: ۱۰

ذکر خداوند، سُرور و شادمانی هر متقی و لذت هر صاحب یقینی است.

ولی معمولاً خداوند را که می خوانیم، به دنبال آن، درخواستی هم داریم و این ندا و درخواست باز بر روی هم، دعاست و اجابت مناسب خود را می طلبد و می تواند مشمول آیات و روایات مربوط به دعا شود. چنان که قبل از آن، همراه آن و حتی بعد از آن، چه بسا مطالب دیگری را به درگاه خداوند متعال، عرض می کنیم. اگر نام خداوند، همراه درخواست و خواندن و ندا نباشد، اسم آن را ذکر می گذارند. مثل این که می گوئیم:

لا اله الا الله، سبحان الله، الله اكبر و لا حول و لا قوه الا بالله العلي العظيم، این ها ذکر است؛ چون خواندن، ندا دادن و درخواست در آن ها نیست. ولی اگر ندا بود، می شود دعا (۱). و عرض کردیم معمولاً علاوه بر ندا و خواندن، درخواست و حتی تسبیح و تنزیه و تحمید و ... همراه آن است؛ زیرا:

۱- هر چند، دعا چون مشتمل بر ذکر می باشد، خود نیز ذکر است.

ص: ۱۱

إِنَّمَا هِيَ الْمَدْحَةُ، ثُمَّ الثَّنَاءُ، ثُمَّ الْإِقْرَارُ بِالذَّنْبِ، ثُمَّ الْمَسْأَلَةُ (۱)؛ همانا (آداب دعا کردن) این است: مدح و ثنای پروردگار، اقرار به گناه و سپس درخواست کردن.

اهمیت دعا

به هر حال، دعا از ارکان مهم اسلام است و علاوه بر آن که از فطرت الهی انسان بر می آید، در قرآن کریم و روایات معصومین - علیهم السلام -، بر آن تأکید فراوانی شده است. در قرآن کریم می خوانیم:

«قَالَ رَبُّكُمْ أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (۲)؛ پروردگار شما فرموده است: مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم.

خداوند متعال، چه فرموده است؟ فرموده: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» من را بخوانید، جوابتان را می دهم؛ یعنی وقتی به درگاه خداوند عرض می کنیم: یا الله! این پاسخ دارد. این وعده ی خداست. به صراحت، امر به دعا و خواندن خود فرموده و نتیجه را پاسخ خود قرار داده است. این خود، لطف خداوند به بندگانش می باشد که اجازه ی سخن گفتن

۱- کافی، ج ۲، ص ۴۸۴.

۲- سوره ی غافر، آیه ی ۶۰.

ص: ۱۲

با خود و دعا کردن را به آنان داده است. و گرنه، چه کسی می توانست به خود اجازه دهد در مقابل ذات اقدس الهی، با زبان الکنش به سخن گفتن بایستد:

و من أعظم النعم علينا جريان ذكرك على ألسنتنا و إذنتك لنا بدعائك و تنزيهك و تسبيحك ... (۱)؛ از عظیم ترین نعمت هایی که به ما داده ای، جریان داشتن ذکر تو بر زبان هایمان و اذن تو به ما برای خواندن و تنزیه و تسبیح کردن خودت ...

در ادامه ی آیه ای که گذشت، خداوند متعال می فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (۲)؛ کسانی که از عبادت من تکبر می ورزند، به زودی با ذلت وارد دوزخ می شوند.

اگر کسانی از عبادت خدا کبر ورزیده، و نخوت داشته باشند از این که خدا را بخوانند و حاضر نباشند دعا کنند، با ذلت به درون آتش خواهند افتاد.

۱- بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۱۵۱.

۲- همان.

ص: ۱۳

عبادت در این آیه، به معنای دعا است. روایات متعددی بیان فرموده است: منظور از عبادت در این آیه ی شریفه، دعاست و «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي»؛ یعنی: «یستکبرون عن دعائی» (۱). و یا دست کم، مصداق بارز عبادت در این آیه، دعاست.

امر به دعا در قرآن کریم مکرر آمده است:

«لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا» (۲)؛ برای خداوند، اسماء (و صفات) نیک است، خدا را به آن ها بخوانید.

در آیه ی دیگری می فرماید:

«فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (۳)؛ خدا را بخوانید در حالی که اخلاص در دین دارید.

مصداق متعددی از دعا نیز در قرآن کریم آمده است، مثل:

(رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ

۱- «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» قَالَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - : هُوَ الدُّعَاءُ وَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ». کافی، ج ۲، ص ۴۶۶. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - يَقُولُ: أَدْعُ وَ لَا تَقُلْ قَدْ فَرِغَ مِنَ الْأَمْرِ فَإِنَّ الدُّعَاءَ هُوَ الْعِبَادَةُ. إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» وَ قَالَ: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»». کافی، ج ۲، ص ۴۶۷.

۲- سوره ی اعراف، آیه ی ۱۸۰.

۳- سوره ی غافر، آیه ی ۱۴.

حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۱)؛ پروردگارا! به ما در دنیا نیکی و در آخرت نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش (دوزخ) نگاهدار.

دعا تا بدان پایه مهم می باشد که در بعض روایات وارد شده است:

الدُّعَاءُ مُخَّ الْعِبَادَةِ ... (۲)؛ دعا، لُبِّ و اصل

۱- سوره ی بقره، آیه ی ۲۰۱. و نیز: «رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»؛ پروردگارا! دل‌هایمان را، بعد از آن که ما را هدایت کردی، (از راه حق) منحرف مگردان! و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش؛ زیرا تو بخشنده ای». سوره ی آل عمران، آیه ی ۸. و: «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»؛ پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و از اسراف های ما در حق خود، چشم پوشی کن! قدم های ما را استوار بدار! و ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان». سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۴۷. و: «رَبَّنَا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ»؛ پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و بدی های ما را ببوشان! و ما را با نیکان (و در مسیر آن‌ها) بمیران». سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۹۳. و: «رَبَّنَا أفرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»؛ پروردگارا! بر (دل های) ما، صبر و شکیبایی فروریز و قدم های ما را استوار کن و ما را بر گروه کافران نصرت ده». سوره ی بقره، آیه ی ۲۵۰. و ...

۲- «عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: الدُّعَاءُ مُخَّ الْعِبَادَةِ وَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَدْعُو اللَّهَ إِلَّا اسْتَجَابَ لَهُ إِمَّا أَنْ يُعَجَّلَ لَهُ فِي الدُّنْيَا أَوْ يُؤَجَّلَ لَهُ فِي الْآخِرَةِ وَإِمَّا أَنْ يُكْفَرَ عَنْهُ مِنْ ذُنُوبِهِ بِقَدَرٍ مَا دَعَا مَا لَمْ يَدْعُ بِمَأْتَمٍ؛ از رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - روایت شده که فرمودند: دعا، لُبِّ و اصل عبادت است، و نیست (بنده ی) مؤمنی که دعا کند و بخواند خدا را، مگر این که خداوند دعای او را مستجاب گرداند، یا در دنیا حاجت و نیاز او روا می شود، یا اجابت آن دعا به تأخیر می افتد و در آخرت به او اجر و پاداش داده می شود، یا این که به مقدار آن دعا از گناهان او پاک می گردد، مادامی که بخواند خدا را و نخواهد از او چیزی که حرام است (یعنی حاجت او در صورتی مستجاب می شود که غیر مشروع نباشد)». وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۷.

ص: ۱۵

عبادت است.

خوب توجه فرمایید! عبادت، غایت آفرینش است:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (۱)؛ جَنِّ و انس را نیافریدم، مگر برای آن که مرا پرستش کنند.

پس همه ی هستی، برای عبادتِ حضرت حقّ است و انسان با این عبادت، به بالاترین کمال خود نائل می شود، و لُبّ عبادت دعا است. پس طبق این روایت، لُبّ و اصلِ غرضِ آفرینش، دعا است.

مقایسه ای بین دعا، قرائت قرآن و نماز

حدیث جالبی است که از لحاظ سند تمام است؛ یکی از راویان معروف (معاویه بن عمّار) خدمت امام صادق - علیه السلام - رسید. خیلی دقیق بدین گونه فرض کرد:

رَجُلَانِ افْتَتَحَا الصَّلَاةَ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ فَتَلَا هَذَا الْقُرْآنَ فَكَانَتْ تِلَاوَتُهُ أَكْثَرَ مِنْ

۱- سوره ی ذاریات، آیه ی ۵۶.

ص: ۱۶

دُعَائِهِ وَ دَعَا هَذَا أَكْثَرَ فَكَانَ دُعَاؤُهُ أَكْثَرَ مِنْ تِلَاوَتِهِ ثُمَّ انصَرَ رَافَا فِي سَاعِهِ وَاحِدَهُ. أَيُّهُمَا أَفْضَلُ؟ قَالَ: كُلُّ فِيهِ فَضْلٌ. كُلُّ حَسَنٌ. قُلْتُ: إِنِّي قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ كُلَّ حَسَنٌ وَ أَنَّ كُلًّا فِيهِ فَضْلٌ. فَقَالَ: الدُّعَاءُ أَفْضَلُ (۱)؛ دو نفر، هم زمان نماز را شروع می کنند. یکی در نمازش بیشتر قرآن می خواند تا نمازش به پایان می رسد. دیگری در نمازش بیشتر دعا می کند و به پایان می برد. و هر دو هم زمان به پایان می برند. کدامیک از این دو عمل، افضل است؟ حضرت می فرماید: هر دو خوب است، هر دو نیک است. اما این راوی در صدد چیز خاصی بود. می خواست با خط کش میلیمتری بفهمد کدام بهتر است راوی عرض کرد: من می دانم هر دو خوب است، می خواهم دقیق بدانم کدام برتر

۱- «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - : رَجُلَانِ افْتَتَحَا الصَّلَاةَ فِي سَاعِهِ وَاحِدَهُ فَتَلَا هَذَا الْقُرْآنَ فَكَانَتْ تِلَاوَتُهُ أَكْثَرَ مِنْ دُعَائِهِ وَ دَعَا هَذَا أَكْثَرَ فَكَانَ دُعَاؤُهُ أَكْثَرَ مِنْ تِلَاوَتِهِ ثُمَّ انصَرَ رَافَا فِي سَاعِهِ وَاحِدَهُ. أَيُّهُمَا أَفْضَلُ؟ قَالَ: كُلُّ فِيهِ فَضْلٌ. كُلُّ حَسَنٌ. قُلْتُ: إِنِّي قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ كُلَّ حَسَنٌ وَ أَنَّ كُلًّا فِيهِ فَضْلٌ. فَقَالَ: الدُّعَاءُ أَفْضَلُ. أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ». هِيَ وَاللَّهُ الْعِبَادَةُ. هِيَ وَاللَّهُ أَفْضَلُ. هِيَ وَاللَّهُ أَفْضَلُ. هِيَ وَاللَّهُ أَفْضَلُ. أَلَيْسَتْ هِيَ الْعِبَادَةُ؟ هِيَ وَاللَّهُ الْعِبَادَةُ هِيَ وَاللَّهُ الْعِبَادَةُ. أَلَيْسَتْ هِيَ أَشَدَّهُنَّ. هِيَ وَاللَّهُ أَشَدَّهُنَّ. هِيَ وَاللَّهُ أَشَدَّهُنَّ». وسائل الشيعه، ج ۶، ص ۴۳۸.

ص: ۱۷

است؟ حضرت فرمودند:

الدُّعَاءُ أَفْضَلُ هِيَ وَاللَّهِ أَفْضَلُ؛ ... به خدا قسم، دعا برتر است.

این مطلب مهمی است که اگر یکی در نماز، قرآن بیشتر بخواند و دیگری بیشتر دعا بخواند و در یک آن، شروع و در یک آن، پایان ببرند، آن کسی که دعای بیشتری کرده، ارزش بیشتری را کسب کرده و طبق این روایت و بعضی روایات دیگر، کار برتری را انجام داده است. وقتی بُرید بن معاویه از امام باقر - علیه السلام - می پرسد: کثرت قرائت قرآن افضل است یا کثرت دعا؟ امام - علیه السلام - می فرماید:

كَثْرَةُ الدُّعَاءِ أَفْضَلُ (۱)؛ بیشتر بودن دعا، برتر است.

توجه کنید! در این روایت، بیشتر بودن قرائت و بیشتر بودن دعا، موضوع مقایسه قرار گرفته است، نه اصل قرائت و اصل دعا، و گرنه در برخی روایات، اصل قرائت، بر اصل دعا مقدم شده است (۲).

در روایت معتبر دیگری از امام باقر - علیه السلام - آمده

۱- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۱.

۲- «عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - أَنَّهُ قَالَ: أَفْضَلُ عِبَادَةِ أُمَّتِي بَعْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ الدُّعَاءُ؛ برترین عبادت امت من بعد از قرائت قرآن دعاست.» مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۵۹.

ص: ۱۸

است:

الدُّعَاءُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ تَنْفِلاً (۱)؛ دعا بعد از نماز واجب، برتر از نماز مستحبی است.

در روایت جناب صدوق، بعد از بیان فوق آمده است: «سنت به این جاری شده است (۲)». حتی در روایتی، عبید بن زراره از امام صادق - علیه السلام - می پرسد:

عَنْ رَجُلَيْنِ قَامَ أَحَدُهُمَا يُصَلِّي لِي حَتَّى أَصْبَحَ وَالْآخَرُ جَالِسٌ يَدْعُو أُيُّهُمَا أَفْضَلُ؟ قَالَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - : الدُّعَاءُ أَفْضَلُ (۳)؛ اگر دو فرد را فرض کنیم که یکی قیام به نماز می کند تا صبح فرا رسد و دیگری نشسته و مشغول دعا می باشد، کدام افضل است؟ حضرت در جواب فرمودند: دعا برتر است.

شاید خیلی از ماها این اهمّیت ها را ندانیم و لذا

۱- کافی، ج ۳، ص ۳۴۲.

۲- من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۲۸.

۳- وسائل الشیعه ج ۶، ص ۴۳۷. و از روایات مربوط به روزه ی روز عرفه، فی الجمله رُجحان دعا بر روزه نیز، استفاده می شود، مثل حدیث صحیح محمد بن مسلم، که امام باقر - علیه السلام - در آن می فرماید: «... فَإِنَّهُ يَوْمٌ دُعَاءٍ وَمَسْأَلَةٍ فَصِيْمَةٌ وَإِنْ خَشِيتَ أَنْ تَضْعَفَ عَنْ ذَلِكَ فَلَا تَصِيْمُهُ؛ روز عرفه، روز دعا و درخواست می باشد. پس آن روز را روزه بدار و اگر می ترسی ضعیف از دعا پیدا کنی، پس روزه نگیر.» وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۶۵.

ص: ۱۹

اهتمامی را که باید به دعا داشته باشیم، نداریم. البتّه هر یک از این امور؛ یعنی دعا، قرائت قرآن، نمازِ نافله و ...، جای خود و نتایج خود را دارد و چنان که معلوم است، از هر یک به واسطه ی دیگری بی نیاز نمی شویم.

دعا، سلاح مؤمن، ستون دین و نور آسمان ها و زمین

از جمله روایاتی که در زمینه ی اهمّیت دعا وارد شده است، این روایت معتبر است که:

قالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمَ - : الدُّعَاءُ سِلاحُ الْمُؤْمِنِ وَ عَمُودُ الدِّينِ وَ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ (۱) ؛ رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمَ - فرمودند: دعاء سلاح مؤمن، عمود دین و نور آسمان ها و زمین است.

چگونه دعا سلاح مؤمن است؟ دعا که می تواند سلاح مؤمن باشد، تهاجمی است یا دفاعی؟ در روایات هر دو خصوصیت برای دعا ذکر شده است؛ چون در روایات دارد که:

إِنَّ الدُّعَاءَ أَنْفَعُ مِنَ السَّنَانِ (۲) ؛ دعا نفوذش از نوک نیزه، بیشتر است.

۱- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۸.

۲- کافی، ج ۲، ص ۴۶۹.

ص: ۲۰

که این خصوصیت، سلاحِ تهاجمی بودن را برای دعا اثبات می کند.

در عین حال، در روایت آمده است:

الدُّعَاءُ تُرْسُ الْمُؤْمِنِ (۱)؛ دعا، سپر مؤمن است.

که این روایت، خصوصیتِ سلاحِ دفاعی را برای دعای مؤمن ذکر می کند. دعا، هم به منزله ی تیر و نیزه است و هم به منزله ی سپر.

در روایت فرمود: دعا، عمود و ستون دین است. اگر دعا باشد، دین هم هست و اگر نباشد، چون عمود دین نیست، دین هم نخواهد بود. چگونه دعا ستون دین است؟ اساس دین، اعتراف به خدای خالقِ قادرِ واحد، و اقرار به نیازِ همه، به آن ذات مقدّس می باشد و این حقیقت، صادق ترین و بارزترین تجلّی را در دعا دارد. دعا کننده، از یک سو با تمام وجود، اعتراف به مبدأ بی انتهای هستی می کند و از سوی دیگر برای خود، جز نیاز و وابستگی چیزی نمی بیند.

این که نماز نیز عمود و ستون دین است: «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ» (۲) شاید عمده دلیل آن، در این باشد که

۱- کافی، ج ۴، ص ۳۰۲.

۲- «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ: الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ مِثْلُهَا كَمِثْلِ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ إِذَا ثَبَّتَ الْعَمُودُ ثَبَّتَ الْأَوْتَادُ وَالْأَطْنَابُ وَإِذَا مَالَ الْعَمُودُ وَانْكَسَرَ لَمْ يَثْبُتْ وَتَدُّ وَلا تُنْبُ». وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۷.

ص: ۲۱

در نماز نیز به حقیقتِ فوق، به بهترین وجه اعتراف می‌کنیم. علاوه، در واقع خداوند متعال در سوره ی حمد (فاتحه الکتاب) که نماز بدون قرائت آن صحیح نیست: «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» (۱) به انسان می‌آموزد، چگونه دعا کند؛ زیرا خداوند متعال در این سوره ی مبارکه، بعد از ابتدا به نام خود و ستودن به وصفِ رحمان و رحیم و ستایش ذات اقدس خود با لفظِ جلاله که بیانگر ذاتِ کامل بی‌نهایت است و ذکر ربوبیتِ حضرتش نسبت به همه ی عالمیان، و این که مهربان و بخشایش گر و مالکِ روز جزاء می‌باشد، و این که تنها او را می‌پرستیم و تنها از او یاری می‌خواهیم، به بندگان خود می‌آموزد که هدایت به راه راست را از او درخواست نمایند. شایسته است، نمازگزار علاوه بر آن که قرائت سوره ی حمد می‌کند که این وظیفه ی او در اتیان نماز است، در همان زمان این معانی را مورد توجه قرار دهد و بلکه انشای دعا کند؛ یعنی

۱- در صحیحہ ی محمد بن مسلم، از امام باقر - علیه السلام - چنین آمده است: «سَأَلْتُهُ عَنِ الَّذِي لَا يَقْرَأُ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ فِي صَلَاتِهِ قَالَ: لَا صَلَاةَ لَهُ ...» وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۷.

ص: ۲۲

مفاد آیه ای را که قرائت می کند، به طور جدّ از خداوند متعال درخواست نماید.

هم چنین در نماز، خواندنِ خداوند جهتِ درود بر پیامبر و آل - علیهم السلام - واجب است. این جزئیّت صلوات بر محمد و آل - علیهم السلام -، آن چنان واضح است که حتّی اهل تسنّن نیز معترف به آن هستند و شعر امام شافعیّه: «..... مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكُمْ لَا صَلَاةَ لَهُ (۱)؛ هر که بر شما درود نفرستد، نمازی برای او نیست.» مشهور است.

در این جا سزاوار است بدانیم، روایات صحیح و متعدّدی وارد شده است که دعا به آسمان بالا نمی رود تا آن که شخص، درود بر محمد و آل محمد فرستد. از جمله:

لَا يَزَالُ الدُّعَاءُ مَحْجُوبًا حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ (۲)؛ همیشه دعا در حجاب است (به استجابت نمی رسد)، تا زمانی که بر محمد و آل محمد درود فرستاده شود.

باید اضافه نمود بر آن چه در رابطه با دعا در نماز ذکر کردیم، دعاهاى مستحّبى که در نماز و

۱- يا أَهْلَ بَيْتِ رَسولِ اللَّهِ حُبُّكُمْ فَرَضٌ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ كَفَاكُمْ مِنْ عَظِيمِ الْقَدْرِ أَنَّكُمْ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكُمْ لَا صَلَاةَ لَهُ (ديوان الشافعی، ص ۱۵۰)

۲- کافی، ج ۲، ص ۴۹۱.

ص: ۲۳

خصوص قنوت آن وارد شده است، و اساساً صلاه (نماز) در اصل به معنای دعا می باشد. پس نماز با اشمالش بر دعا، ستون دین است.

امّا این که دعا، نور آسمان ها و زمین است، به چه معناست؟ احتمالات مختلف در آن است، یکی از آن احتمالات این است که آسمان ها و زمین با دعا روشن می شود؛ چنان که در روایت آمده است:

إِنَّ الْمُصَلِّيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ لَيَلَهُ الْجُمُعَةُ يَزْهَرُ نَوْرُهُ فِي السَّمَاوَاتِ إِلَى يَوْمِ تَقَوْمِ السَّيِّئَةِ (۱)؛ صلوات فرستنده ی بر محمد و آل محمد در شب جمعه، نورش در آسمان ها تا روز قیامت می درخشد.

احتمال دیگر آن است که آسمان ها و زمین با زبان استعداد، از خداوند درخواست وجود کردند و به آن ها اعطا شد. و وجود، هم چون نور، ظهور و بروز است.

دعا، دگرگون کننده ی قضا و قدر الهی

به هر حال دعا در نظام عالم آن قدر مهم است که انسان می تواند قضا و قدر الهی را با دعا کردن، تغییر

ص: ۲۴

دهد. دعا می تواند بلایی را که مقدر شده است، عوض کند. در روایت هست که:

عَلَيْكُمْ بِالْدُعَاءِ فَإِنَّ الدُّعَاءَ لِلَّهِ وَالطَّلَبَ إِلَى اللَّهِ يَرْدُّ الْبَلَاءَ وَقَدْ قُدِّرَ وَقُضِيَ ... (۱)؛ بر شما باد (که ملازمت کنید) به دعا، زیرا دعا به درگاه خدا و خواستن از او، بلایی را که مقدر شده و حکم بدان شده، برمی گرداند.

دعا حتی بلای نازل را که نزدیک به اصابت است، مادامی که نازل نشده است، برمی گرداند:

الدُّعَاءُ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ النَّازِلَ مَا لَمْ يَنْزِلْ (۲)؛ دعا بلایی که می خواهد نازل شود را تا زمانی که نازل نشده، دفع می کند.

بلکه دعا بلایی را که نازل شده است، کوتاه می کند:

عن أبي عبد الله - عليه السلام - : إذا ألهم أحدكم

۱- «قال أبو الحسن موسى - عليه السلام - : عَلَيْكُمْ بِالْدُعَاءِ فَإِنَّ الدُّعَاءَ لِلَّهِ وَالطَّلَبَ إِلَى اللَّهِ يَرْدُّ الْبَلَاءَ وَقَدْ قُدِّرَ وَقُضِيَ وَ لَمْ يَبْقَ إِلَّا إِمضَاؤُهُ فَإِذَا دُعِيَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَ سُئِلَ صَيْرَفَ الْبَلَاءِ صَيْرَفَهُ (صَيْرَفَهُ)؛ بر شما باد (که ملازمت کنید) به دعا، زیرا دعا به درگاه خدا و خواستن از او، برگرداند بلایی را که مقدر شده و حکم بدان شده، و جز اجرای آن چیزی نمانده، پس چون خدای عزوجل خوانده شد و از او درخواست شد، یکباره بلا را بگرداند.» کافی، ج ۲، ص ۴۷۰.

۲- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۷.

ص: ۲۵

الدُّعَاءُ عِنْدَ الْبَلَاءِ فَاعْلَمُوا أَنَّ الْبَلَاءَ قَصِيرٌ (۱)؛ امام صادق - علیه السلام - فرمودند: زمانی که در هنگام بلا، بر یکی از شما الهام شد که دعا نماید، پس بدانید که همانا بلا، کوتاه مدت است.

این ها خواص دعاست. ماها خوابیم، از ملکوت آسمان ها و حقایق عالم و از آن چه باطن عالم هست، درست اطلاع نداریم. آن چه را هم که از زبان معصومین - علیهم السلام - رسیده است، یا درست دنبالش نمی رویم یا درست در آن تفکر نمی کنیم و یا در جانمان نهادینه نمی شود.

ده ویژگی برای دعا

اشاره

با تأمل و تدبّر در کلمات معصومین - علیهم السلام - و دعاهای وارد شده و تدبّر در آیات الهی، ما می توانیم حدّ اقلّ ده ویژگی را برای دعا ارائه دهیم:

(۱) نزدیک شدن به خداوند متعال، ویژگی تخلف ناپذیر دعا

دعا کننده با دعای خویش به مبدأ هستی و سرچشمه ی جوشان وجود، نزدیک می شود و قرب الی الله پیدا می کند. دعا انسان را به جایی می رساند

ص: ۲۶

که فاصله اش با مبدأ هستی، کم و کم و کم تر می شود و این بالا-ترین و برترین مزیت برای دعاست. و این مزیت برای هر دعایی که با توجه انجام بشود، وجود دارد؛ چه مستجاب شود و چه بنا به مصلحتی مستجاب نشود؛ زیرا با دعا، انسان به طرف پروردگار حرکت می کند و تا آن اندازه ای که همت و ظرفیت دارد و شرایط دعا را فراهم کرده، به خداوند متعال نزدیک می گردد. پس اولین و ساری ترین و جاری ترین فایده ی دعا، قرب الی الله است که این بالاترین هدف هر انسان فرهیخته ای هست و باید باشد، و بلکه در حقیقت، دعا خود قرب الی الله است، نه آن که قرب، فایده ای باشد که بر دعا مترتب می شود. (۱) بنابراین دعا، هم اصالت دارد

۱- چنان که نظیر آن در مورد نماز آمده است که: «الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ؛ نماز، قرب هر متقی می باشد.» (وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۴۳). و حتی در عبارت معروف گرفته شده از مضمون برخی روایات؛ یعنی: «الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ.» احتمال آن هست که لفظ معراج، در معنای مصدری به کار رفته باشد، هرچند مفعول وزن اسم آلت و وزن مبالغه است. چنان که وقتی گفته می شود: معراج رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم -، در کلام غیر اصیل نیز، گاهی به گونه ای به کار می رود که با معنای مصدری بیشتر سازگار است. به هر حال بعضی در برخی لغات به وزن مفعول گفته اند: به معنای مصدری، به کار برده شده است. ابوحنیفان آندلسی در تفسیر البحرالمحیط، ج ۷، ص ۲۷۰، می گوید: «و الظاهر أنَّ الميعاد اسم علی وزن المِفعال استعمال بمعنی المصدر؛ ظاهر آن است که میعاد، اسمی است بر وزن مفعول، که به معنای مصدر به کار رفته است.» چنان که عدّه ای از مفسّرین و نحویین نیز این معنا را در الفاظی مثل: میثاق و میلاد و ...، قائل شده اند.

ص: ۲۷

و هم وسیله است. در روایتِ صَحِيحِ سَيْفِ التَّمَارِ از امام صادق - علیه السلام - آمده است:

عَلَيْكُمْ بِالِدُّعَاءِ فَإِنَّكُمْ لَا تَقْرَبُونَ بِمِثْلِهِ؛ بر شما باد دعا! همانا شما به مثلِ دعا، به چیزی تقرّب نمی یابید.

سپس امام - علیه السلام - توصیه می فرماید:

و لا- تَتْرُكُوا صَیْغِرَةَ لِصَیْغَرِهَا أَنْ تَدْعُوا بِهَا إِنَّ صَاحِبَ الصَّغَارِ هُوَ صَاحِبُ الْكِبَارِ (۱)؛ کوچک بودن خواسته ای شما را از دعا باز ندارد که آن کس که صاحب خُردهاست، هم او صاحب کلان ها می باشد.

۲) برآورده شدن نیاز

فرد با دعای خویش، با خواندن پروردگار و درخواست از درگاه خداوند متعال، به مقاصد و حوائج و نیازهای خودش می رسد. و آن چه را دوست دارد و حاجت هایی را که در نظر دارد، با دعا به دست می آورد؛ زیرا خداوند متعال را می خواند که خدا حوائج او را برآورده کند و خداوند متعال هم، وعده داده که جواب بدهد، و

۱- کافی، ج ۲، ص ۴۶۷.

ص: ۲۸

اگر مصلحتش باشد و شرایط دعا را فراهم کرده باشد، معلوم است که او به خواسته اش خواهد رسید و حتی سفارش شده در دعا حاجات خود را نام ببریم:

... فَإِذَا دَعَوْتَ فَاسْمِ حَاجَتِكَ (۱)؛ پس هنگامی که دعا می کنی، حاجتت را نام ببر.

و نیز یقین به اجابت داشته باشیم:

فَإِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ ثُمَّ اسْتَيْقِنِ بِالْإِجَابَةِ (۲)؛ هرگاه دعا کردی، با دل خود روی به دعا بیاور و آن گاه یقین به اجابت داشته باش.

پس دومین خاصیت دعا آن است که انسان به حوائج خود می رسد.

۱- «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَعْلَمُ مَا يُرِيدُ الْعَبْدُ إِذَا دَعَاهُ وَلَكِنَّهُ يُحِبُّ أَنْ تُبْتَ إِلَيْهِ الْحَوَائِجُ فَإِذَا دَعَوْتَ فَاسْمِ حَاجَتِكَ؛ از امام صادق - علیه السلام - نقل شده است که فرمودند: همانا خداوند تبارک و تعالی اراده ی بنده را هنگامی که بنده او را می خواند، می داند، اما خداوند دوست دارد که حوائج به سویش نشر و توضیح داده شود. پس هنگامی که دعا می کنی، حاجتت را نام ببر.» کافی، ج ۲، ص ۴۷۶. اما مثل سخن ابراهیم خلیل الرحمن - علیه السلام - که: «حَسْبِيَ مِنْ سُؤَالِي عِلْمُهُ بِحَالِي؛ کفایت می کند از درخواست من، علم خداوند به حال من.» (بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۵۵)، یک استثنا است و مربوط به مقام و حال خاص.

۲- کافی، ج ۲، ص ۴۷۳.

۳) عمق بخشیدن به حقایق و نهادینه کردن آن‌ها در جان، در مقابل غفلت‌ها

سومین خاصیتی که می‌توانیم برای دعا فرض کنیم این است که فرد با دعا به حقایقِ عالم و واقعیات هستی، انس بیشتری پیدا می‌کند، حقایقی که در بسیاری از اوقات مورد غفلت انسان‌ها قرار می‌گیرد و بدین جهت افراد راه را گم می‌کنند. با مداومت بر دعا، اعتراف به این حقایق در جان دعا کننده و شنونده نهادینه می‌شود. کسی که توفیق بیابد مثلاً شب‌های جمعه دعای کمیل یا روز جمعه دعای ندبه، یا عصر آن دعای سمات را بخواند، یا هر صبح دعای صباح را زمزمه کند، و ...، با حقایقی که در این دعاها ذکر شده، مأنوس گردیده و در ژرفای جان و اعماق روحش نفوذ کرده، جای گرفته و نهادینه می‌شود، و لامحاله غفلت‌ها و اغواهای شیطان نمی‌تواند او را از این حقایق دور نماید و همیشه شخصِ اهلِ دعا همراه نورانیت و روشن بینی است که:

عن أمير المؤمنين - عليه السلام - : الدُّعَاءُ مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ وَ مِصْبَاحُ الظُّلْمَةِ (۱) ؛ دعا، کلید رحمت و

ص: ۳۰

چراغ تاریکی است.

هرچه فرد بر دعا مداومت بیشتر داشته باشد اثرات آن آشکارتر و قوی تر خواهد بود، که:

قَلِيلٌ مَّدوْمٌ عَلَيْهِ خَيْرٌ مِّنْ كَثِيرٍ مَّمْلُوْلٍ مِنْهُ (۱)؛ (عمل) اندکی که پیوسته باشد، به از بسیاری است که ملال آرد.

چنان که تکرار و اصرار در دعا، محبوب خداوند و موجب اجابت می باشد:

فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْإِحْسَانَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲)؛ خداوند اصرار اصرارکنندگان (در دعا) از بندگان مؤمنش را دوست دارد.

و نیز:

لَا وَاللَّهِ لَا يُلِيحُّ عَبْدٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِلَّا اسْتَجَابَ لَهُ (۳)؛ نه، به خدا هیچ عبدی در درگاه خداوند اصرار نمی کند مگر این که خداوند دعایش را مستجاب می کند.

این هم یک خاصیت دیگر دعا.

۱- نهج البلاغه ی صبحی صالح، حکمت ۴۴۴، ص ۵۵۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۶۰.

۳- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۵۸.

۴) تربیت اطرافیان

فایده‌ی چهارم دعا این است که انسان می‌تواند با دعا اطرافیان خود را تربیت کند. دعا کننده نه تنها خودش تربیت می‌شود بلکه اطرافیان را هم تربیت می‌کند؛ چون دعا یعنی زمزمه کردن و مناجات کردن اذکار و اوراد و درخواست‌هایی از روی اخلاص و پاکی با خدای خود. دعا کننده از یک سو نیاز وجودی خود و نیاز ثانوی خود را حاضر می‌بیند و از سوی دیگر می‌یابد تنها منبع هستی بخش و برآورده کننده‌ی نیازها، ذات اقدس الهی می‌باشد. وقتی دیگران این اعتراف از جان برآمده را از دعا کننده می‌بینند به ناچار متأثر می‌شوند. وقتی فرد در دل شب بلند می‌شود و تضرع به درگاه خداوند متعال می‌نماید، اشک‌هایش جاری می‌شود و خدا را می‌خواند معلوم است که آن چه را که واقعاً برای او اهمیت و ارزش دارد از درگاه خدا می‌خواهد. وقتی در درگاه خدا می‌گوید: خدایا! ایمان مرا حفظ فرما، توفیق علم و عمل صالح به من عطا فرما، من را از شرّ شیطان، از شرّ نفسِ اماره‌ی به سوء، از هوس‌های گول زنده حفظ کن. خدایا! من را نجات از دوزخ و آتش جهنّم و دوری از غضبت لطف

ص: ۳۲

فرما. وقتی که سلامت را می خواهد، وقتی که امتیّت را می خواهد، وقتی که سلامت پدر و مادر و دوستان را می خواهد، وقتی که روزی حلال را می خواهد. وقتی که این خواسته ها را برای دیگران نیز از خداوند می خواهد یعنی به فرزندانش، به اطرافیان و دوستانش می گوید این ها مهمّ است. مبدا راه خلاف بروید. علم صحیح و ایمان درست و نجات از آتش جهنّم و مسائل معنوی در درجه ی اوّل اهمّیت است. سپس امتیّت و سلامت و روزی حلال دارای اهمّیت می باشد. هم چنین این واقعیّت به دیگران القا می شود که نباید فقط به فکر خودمان باشیم، بلکه به فکر دیگران هم باید باشیم حتّی در دل شب و حسّاس ترین و طلایی ترین فرصت ها. به فکر پدر و مادر و برادر و همسایه و ... باشیم.

چنان که زهراى اطهر - علیها السلام - در شب جمعه ی خود، در محراب عبادت چنین بود که:

تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَتُسَمِّيهِمْ وَتُكَثِّرُ الدُّعَاءَ لَهُمْ وَلَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِشَيْءٍ (۱)؛

۱- «عَيْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ - عَلَيْهِمَا السَّلَام - عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ - عَلَيْهِ السَّلَام - قَالَ: رَأَيْتُ أُمَّي فَاطِمَةَ - عَلَيْهَا السَّلَام - قَامَتْ فِي مَحْرَابِهَا لَيْلَةً جُمِعَتْهَا فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّى اتَّصَحَّ عَمُودُ الصُّبْحِ وَ سَمِعْتُهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَتُسَمِّيهِمْ وَتُكَثِّرُ الدُّعَاءَ لَهُمْ وَلَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِشَيْءٍ ۚ فَقُلْتُ لَهَا يَا أُمَّاهُ لِمَ لَا تَدْعُونَ لِنَفْسِكِ كَمَا تَدْعُونَ لِغَيْرِكِ فَقَالَتْ: يَا بَنِي الْجَارِ ثُمَّ الدَّارِ.» وسائل الشيعه، ج ۷، ص ۱۱۳.

ص: ۳۳

(زهراى اطهر - عليها السلام -) برای مؤمنین و مؤمنات دعا می کرد و نام ایشان را می آورد و فراوان برای ایشان دعا می کرد و برای خودش هیچ دعایی نمی کرد.

این حقیقت در حقّ تربیت شدگان از شیعیان اهل بیت - علیهم السلام - نیز نقل شده است؛ چون می دانستند دعای برای دیگران، مثل و بیش از آن را برای دعا کننده به ارمغان خواهد آورد و حتّی فرشته برای او دعا خواهد کرد:

مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَلَكًا يَدْعُو لَهُ (۱)؛ هر کس برای برادران مؤمنش دعا کند خداوند در برابر هر مؤمنی که او برایش دعا کرده، فرشته ای را وکیل می کند تا برایش (دعاکننده) دعا کند.

و این امر تشدید می شود در صورتی که مؤمن برای مؤمن غایب دعا کند که:

إِنَّ مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ بَظَهْرِ الْغَيْبِ نُودِيَ مِنَ الْعَرْشِ وَ لَكَ مِائَةٌ أَلْفٍ ضَعْف (۲)؛ هر کس برای برادرش (برادر مؤمنش) در حال غیبتش دعا کند، از عرش ندا می آید که صد هزار برابر (آن چه که برای

۱- بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۸۶.

۲- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۱۰.

ص: ۳۴

برادر مؤمنش خواسته است) برای توست.

این ها افکاری است که به طور غیر مستقیم از طرف دعوت کننده و دعا کننده به کسانی که ناظر هستند به ویژه فرزندان، همسرش و نزدیکانش القا می شود. پس دعا اثر تربیتی دارد. فراموش نمی کنم وقتی که دعایی از حضرت سجاد - علیه السلام - در صحیفه ی سجادیّه را در یک جمعی قرائت کردم که حضرت با ابتهال خاصی از درگاه خداوند می خواست که کسانی که حتّی به او ظلم کرده اند، کسانی که حتّی از او را ضایع نموده اند، از آن ها درگذرد به گونه ای که حتّی از یادآوری آن ناراحت نشوند:

و اعْفُ لَهُ عَمَّا أَدْبَرَ بِهِ عَنِّي، وَ لَا تَقِفُهُ عَلَيَّ مَا ارْتَكَبْتُ فِيَّ، وَ لَا تَكْشِفُهُ عَمَّا اَكْتَسَبْتُ بِهِ (۱)؛ بر او ببخش هر آن چه که از من با وزر و گناه برده، و به روی او نیاور آن چه را در حقّ من مرتکب شده، و بر او آشکار مکن (با اکراه) آن چه از ناحیه ی من گرفتار شده است (و به او رسیده است).

در این هنگام بعضی از افراد منقلب شدند. عجب! تا این حدّ اسلام عنایت دارد. تا این حدّ می خواهد افراد دارای بخشش باشند. از خدا

۱- صحیفه ی سجادیّه، دعای ۳۹، ص ۱۶۸.

ص: ۳۵

درخواست می‌کند: خدایا! کسی که علیه من کاری کرده، سخن ناروایی، کلام نابجایی در حق من زده، خدایا من او را عفو کردم و چنان از او بگذر که به طور ناگوار نفهمد که این گناه را انجام داده و این خطا را مرتکب شده است. خیلی این مقام بالایی است. این مقامی است که به این سادگی‌ها برای کسی میسر نمی‌شود. وقتی که فرد می‌بیند امام سجاد - علیه السلام - با آن مقام و عظمتش در درگاه خداوند متعال و در بالاترین مقامات قرب چنین درخواستی را از خداوند می‌کند، می‌فهمد گذشت و عفو ملکه و صفت والایی است. به ناچار روحیه‌ی گذشت از مردم آن هم این چنین گذشتی، در او پدید می‌آید. هم چنین اگر من و شما و دیگران با صدق و پاکی این چنین دعایی بکنیم، در دیگران اثر می‌گذارد. روحیه‌ی گذشت و عفو آن هم در آن مقیاس عجیب، در دیگران پدید می‌آید. هر چند معمولاً انسان در خفا دعا می‌کند و دعای در خفا و سرّ از حیثی به استجابت نزدیک تر است، که:

دَعْوَةُ الْعَبْدِ سِرًّا دَعْوَةٌ وَاحِدَةٌ تَعْدِلُ سَبْعِينَ دَعْوَةً عَلَانِيَةً (۱)؛ یک دعای بنده در پنهان برابر

ص: ۳۶

هفتاد دعای آشکار است.

ولی دعای در پنهان هم چه بسا آشکار شود. چنان که دستور دعای جمعی را هم داریم، و هر کدام مزیتی دارد؛ مثل صدقه ی سر و صدقه ی آشکار. پس اثر چهارمی که برای دعا طرح کردیم این است که دعا علاوه بر آن که تربیت کننده ی دعا کننده است، تربیت کننده ی اطرافیان نیز می باشد.

(۵) ابراز محبت به دیگران و جلب محبت آن‌ها

اثر دیگر دعا، اعمال و ابراز محبت به هر کس که شایسته ی دوست داشتن است. اگر فرزندان را دوست داری، اگر همسرت را دوست داری، اگر پدر و مادرت را دوست داری، اگر همسایه هایت را دوست داری، اگر اساتیدت را دوست داری، اگر علمای دین را دوست داری، اگر همه ی مؤمنین را دوست داری، چه خوب است که این محبت را به نوعی اعمال و ابراز کنی و احساسات خود را بروز بدهی. آن‌ها هم به نوعی بفهمند که تو آن‌ها را دوست داری و در نتیجه آن‌ها هم تو را بیشتر دوست بدارند. وسیله های متعدّد برای اعمال و ابراز این محبت ها ممکن است باشد، ولی یکی از پاک ترین، آسان ترین و در عین حال

ص: ۳۷

مطمئن‌ترین وسیله‌ها برای اعمال و ابراز محبت و دوستی به نزدیکان و فرزندان و خویشان و پدر و مادر، دعاست.

معلوم است وقتی مثلاً کسی در حال نماز و قرب به خداوند است، تلاش می‌کند آن چه را که برای او مهم‌ترین است، از درگاه خداوند متعال بخواهد. دست‌ها را بالا می‌برد، خدایا! پدر و مادرم را حفظ فرما. خدایا! سلامت به آن‌ها بده. خدایا! عاقبت فرزندانم را خیر بگردان، دنیا و آخرتشان را اصلاح بفرما. خدایا! برادر، خواهر و نزدیکان مرا عافیت عطا فرما. خدایا! فلان قوم و خویشم را، فلان رفیقم را، خیر عنایت بفرما. این دعاها علامت‌های مهمی را ارسال می‌کند. این دعاها نشانه‌ی عالی‌ترین محبت‌ها است، و در عین حال بهترین هدیه است برای کسانی که در حق آنان فرد دعا کرده است. وقتی که به کسی بگویی دوستت دارم، همیشه شاهده‌ی بر آن که این کلام از عمق جان و صدق نیت باشد وجود ندارد و حتی در مراحل خدای نکرده احتمال تزویر و دورویی منتفی نیست؛ امّا وقتی فرد در گوشه‌ی عزلتی، در دل شبی، گوشه‌ی مسجدی، هنگامی که حال خوشی دارد، برای فلان شخص

ص: ۳۸

دعا می کند؛ یعنی این از روی خلوص است، و از عمق جان است. دعا اگر واقعاً دعا نباشد لذتی ندارد، انسان اهتمام به آن ندارد. پس اگر کسی واقعاً با اقبال قلب و با توجه دعا بکند یعنی آن کسی را که برایش دعا کرده از اعماق قلب دوست دارد و برای او خیر و رحمت و برکت و مغفرت می خواهد. این دعا اگر پنهان هم باشد و بهتر است که چنین باشد ولی چه بسا به نوعی آشکار شده و بروز پیدا می کند و یک جایی شناخته می شود. نه این که خدای نکرده کسی دعا کند به خاطر این که دیگران بفهمند، نه، این نباید هدف باشد. انسان باید کار را برای خداوند انجام دهد. خدا هم کار او را اصلاح می کند، زیرا:

مَنْ أَصْلَحَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ (۱)؛ هر کس ما بین خود و خدا را اصلاح کند، خداوند بین او و مردم را اصلاح می کند.

علاوه چون دعای در جمع و آمین گفتن دیگران موجب اجابت دعاست چه بسا انسان دعای در جمع را انتخاب کند که:

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۹۸.

ص: ۳۹

ما مِنْ مُؤْمِنِينَ أَوْ ثَلَاثَةٍ اجْتَمَعُوا ... إِنْ دَعَوْا اللَّهَ أَجَابَهُمْ ... (۱)؛ هر دو مؤمن یا سه مؤمنی که گرد هم آیند ... اگر خدا را بخوانند، آنان را اجابت کند ...

چنان که در برخی اوقات هم قهراً دعای فرد آشکار می شود. وقتی که کسی در منزل یا مسجد یا مکان دیگر نماز می خواند و دعا می کند به خصوص در نماز جماعت به طور طبیعی حتی علی رغم میل او دیگران متوجه می شوند که چگونه برای والدین، فرزند، نزدیکان و دوستان دعا می کند. مثلاً وقتی طبق دستور در سجده ی نماز واجب می گویی:

يا خَيْرِ الْمَسْئُولِينَ و يا خَيْرِ الْمُعْطِينَ أُرْزُقْنِي و أُرْزُقْ عِيَالِي مِنْ فَضْلِكَ فَإِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲). «يا خَيْرِ الْمَسْئُولِينَ؛ ای برترین درخواست شوندگان»، «يا خَيْرِ الْمُعْطِينَ؛ ای برترین اعطاء کنندگان»، «أُرْزُقْنِي و أُرْزُقْ

۱- «ما مِنْ مُؤْمِنِينَ أَوْ ثَلَاثَةٍ اجْتَمَعُوا عِنْدَ أَخٍ لَهُمْ يَأْمَنُونَ بِوَأْتِقَهُ و لَا يَخَافُونَ غَوَائِلَهُ و يَرْجُونَ مَا عِنْدَهُ إِنْ دَعَوْا اللَّهَ أَجَابَهُمْ و إِنْ سَأَلُوهُ أَعْطَاهُمْ و إِنْ اسْتَزَادُوهُ زَادَهُمْ و إِنْ سَكَّتُوا ابْتَدَأَهُمْ.» وسائل الشيعه، ج ۷، ص ۱۰۴.

۲- «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ: أَدْعُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ فِي الْمَكْتُوبَةِ (الصَّلَاةِ الْفَرِيضَةِ) و أَنْتَ سَاجِدٌ: يا خَيْرِ الْمَسْئُولِينَ و يا خَيْرِ الْمُعْطِينَ أُرْزُقْنِي و أُرْزُقْ عِيَالِي مِنْ فَضْلِكَ فَإِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.» وسائل الشيعه، ج ۶، ص ۳۷۲.

ص: ۴۰

عیالی؛ من و عیالم (خانواده ام) را روزی بده.»

مگر همسرت و فرزندان نمی فهمند که در حال خواندن این دعا هستی؟ می فهمند که تو از عمق جانت، در نمازت و در بهترین حالات یعنی در حال سجده، هم برای خودت و هم برای آن‌ها دعا می کنی. معلوم است که چنین ابراز محبتی که بی ریا و خالص در درگاه خداوند است و هیچ توقعی در مقابلش نداری، از طرف کسی که این ابراز محبت را دریافت می کند، دارای انعکاس است و در او هم همین محبت نسبت به تو پدید خواهد آمد و یا تشدید خواهد شد.

اصلاً از هر کسی درخواست دعا داشته باش. در روایت وارد شده است که: مبدا دعای کسی را کوچک بشمارید:

لَا تُحَقِّرُوا دَعْوَةَ أَحَدٍ ... (۱).

حتی در روایتی امام - علیه السلام - فرمودند: اگر مریض شدید به دوستانتان خبر دهید که به عیادتان بیایند. (۲)

۱- «عَنِ أَبِي الْحَسَنِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ: لَا تُحَقِّرُوا دَعْوَةَ أَحَدٍ فَإِنَّهُ يُسْتَجَابُ لِلْيَهُودِيِّ وَالنَّصْرَانِيِّ فِيكُمْ وَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ.» وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۲۹.

۲- «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - : يَتَّبِعِي لِلْمَرِيضِ مِنْكُمْ أَنْ يُؤْذِنَ إِخْوَانَهُ بِمَرَضِهِ فَيَعُودُونَهُ.» کافی، ج ۳، ص ۱۱۷.

ص: ۴۱

البته عیادت رفتن هم شرایط دارد. کی، کجا و با چه خصوصیاتى چون وقتی به عیادت شما می آیند، برایتان دعا می کنند و مستجاب می شود:

فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ لَهُ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ (۱)؛ پس همانا هیچ فردی نیست مگر این که برای او دعای مستجابی هست.

از طرف دیگر، هنگامی که شما به عیادت مریضی می روید، شما هم از مریض بخواهید برایتان دعا کند؛ زیرا:

لَمْ يَسْأَلِ الْمَرِيضُ لِلْعَائِدِ شَيْئًا إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ (۲)؛ بیمار، چیزی را برای عیادت کننده درخواست نمی کند مگر آن که خداوند آن را مستجاب می نماید.

و کلاً دعای مریض در روایات مستجاب خوانده شده است (۳). مریض دل شکسته است و حالتی دارد

۱- «قال أبو الحسن - عليه السلام - : إذا مَرَضَ أَحَدُكُمْ فَلْيَأْذِنِ لِلنَّاسِ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ لَهُ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ؛ امام - عليه السلام - فرمودند: هنگامی که یکی از شما بیمار شد پس به مردم اذن دهد که بر او وارد شوند (به عیادتش بیایند). پس همانا هیچ فردی نیست الا این که برای او یک دعای مستجاب هست.» کافی، ج ۳، ص ۱۱۷.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۲۰.

۳- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۲۷. روایت صحیح اَبان در رابطه با عیادت پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - از سلمان رضی الله عنه چنین است: «عَادَ رَسُولُ اللَّهِ - صلی الله علیه و آله و سلم - سَلْمَانَ فِي عِلَّتِهِ فَقَالَ: يَا سَلْمَانُ! إِنَّ لَكَ فِي عِلَّتِكَ ثَلَاثَ خِصَالٍ: أَنْتَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِجِدِّكَ وَ دُعَاؤُكَ فِيهِ مُسْتَجَابٌ وَ لَا تَدْعُ الْعِلَّةَ عَلَيْكَ ذَنْبًا إِلَّا حَطَّتْهُ مَتَّعَكَ اللَّهُ بِالْعَافِيَةِ إِلَى انْقِضَاءِ أَجَلِكَ؛ رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - در بیماری سلمان از او عیادت کردند و فرمودند: سلمان! در بیماری برای تو سه ویژگی است: تو پیوسته به یاد خداوند می باشی و دعایت مستجاب است و بیماری، هر گناهی را از تو می زداید. خداوند تو را تا پایان زندگی بهره مند از عافیت بگرداند.» وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۲۰.

ص: ۴۲

که قُربش به خداوند متعال و آمادگی اتّصالش به عالم بالا بیشتر و دعایش به استجابت نزدیک تر است. ممکن است مصلحت نباشد که در مورد بیماری خودش به نحوی که او دعا بکند در همان لحظه اجابت شود؛ اما در حقّ شما و در حقّ هر کسی که به عیادت او می رود و در موارد دیگر چه بسا مُستجاب شود. و لذا شایسته است هم مریض از آن‌ها بخواهد که برایش دعا کنند، و هم کسانی که عیادت می روند از مریض بخواهند برایشان دعا کند.

صرف نظر از استجابت، این ابراز محبت و پیوند دوستی بین افراد است و عالی ترین و پاک ترین هدیه ای است که مسلمان‌ها و همه ی کسانی که معتقد به مبدا و معاد هستند، می توانند به یکدیگر بدهند. و این خصوصیتی است که فقط برای انسان‌های خدایی است و دیگران از آن محرومند. بیچاره اند کسانی که اعتقاد به خدا ندارند نعوذ بالله

ص: ۴۳

کسانی که اعتقادی به مبدا و معاد ندارند، کسانی که اعتقادی به دعا و عالم معنا ندارند، از همه ی این خیرات و برکات محروم می باشند. این یکی از مزایای اعتقاد به عالم معناست. بنابراین خاصیت و ویژگی پنجمی که برای دعا عرض کردیم این است که دعا ابراز محبت به فرزند، همسر، نزدیکان و دوستان و همه ی افراد می باشد و در عین حال جلب محبت آن هاست. جالب آن است که در حدیثی از پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - وارد شده است که: در روز قیامت امر می شود برخی را به آتش ببرند و در نتیجه به طرف آتش کشیده می شود، در آن هنگام مردان و زنان مؤمن می گویند:

يَا رَبِّ! هَذَا الَّذِي كَانَ يَدْعُو لَنَا فَشَفَعْنَا فِيهِ فَيَشْفَعُهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِيهِ فَيُنَجِّو (۱)؛ خداوندا! این کسی است که ما را دعا می کرد، پس ما را شفیع او قرار بده. خداوند عَزَّوَجَلَّ هم آنان را شفیع او قرار می دهد و این فرد از آتش نجات می یابد.

۱- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۱۴.

۶) افشاندن بذر دوستی خوبان و ترویج دشمنی ستمکاران

دعا راهی برای افشاندن بذر دوستی خوبان و طرفداران حق و عدالت در جامعه و افشاندن بذر بُغض و کینه نسبت به ستم‌گران و تبه‌کاران و رهنمان و فاسدان غیر قابل هدایت است. معمولاً در جوامع، انسان‌هایی هستند که پرچم دار خیرخواهی و عدالت و همکاری و یآوری مردم و خدمت به انسان‌ها می‌باشند، و متأسفانه در مقابل، افرادی هم در جامعه هستند که نمودهای تباهی و ظلم و ستم و تجاوز و فساد می‌باشند. ما وظیفه داریم خوبان، متقین و راستگویان را یاری کنیم. به انسان‌هایی که در خدمت مردم هستند و در طریق کار نیک قدم بر می‌دارند کمک نماییم. خداوند متعال می‌فرماید:

«تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (۱)؛ هم دیگر را در نیکی و تقوی یاری کنید.

و یا می‌فرماید:

«كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (۲)؛ با راستگویان باشید.

۱- سوره ی مائده، آیه ی ۲.

۲- سوره ی توبه، آیه ی ۱۱۹.

ص: ۴۵

ما باید علیه دشمنان و ستمکاران هر عمل مناسبی که بتوانیم انجام بدهیم. امیرالمؤمنین - علیه السلام - در وصیت خود به دو فرزندش و دیگران می فرماید:

كُونَا لِلظَّالِمِ حَصْمًا وَّ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا (۱)؛ دشمن ظالم و یار مظلوم باشید.

یاری ستمدیده و دشمنی با ستمکار و تلاش به نفع عدل و احسان و علیه ستم و طغیان، مراتب و راه هایی دارد. یکی از راه های مهم یاری دادن به خوبان و عدل گستران این است که آن ها را دعا کنیم. اصلاً در برخی از شرایط، به جز دعا راه دیگری برای یاری رساندن نداریم. عده ای برای ابراز دشمنی و کُند کردن دشمنی دشمنانِ حَقّ و حقیقت و ستمکاران و تبهکاران راهی به جز دعا ندارند. وقتی که انسان در حالتی قرار دارد که در نهایت صفای قلب و ارتباط با مبدأ هستی می باشد و همه ی وجودش را آورده و در مقابل پروردگارش به کرنش، پوزش، ستایش و نیایش پرداخته و آن چه را که برای او مهم است از درگاه خداوند درخواست می کند و بر ستمکاران و گنهکارانی که به حقوق مردم تجاوز می کنند و حاضر نیستند از این

۱- نهج البلاغه ی صبحی صالح، نامه ی ۴۷، ص ۴۲۱.

ص: ۴۶

اعمالشان دست بردارند، لعن و نفرین می فرستد، معلوم است که علاوه بر استجابت، دعا می تواند اثر بازدارنده ی نیرومندی در اجتماع داشته باشد. این مطلب توصیه هم شده است. اگر در جامعه این احساس وجود داشته باشد که اگر کسی تجاوز به حقوق دیگران کند حدّ اقلّ مردم در خلوت با خدای خود، در دل شب در منزل یا در مسجد علیه او نفرین می کنند و برای دفع شرّش دعا می کنند، اگر ذره ای ایمان و عقل داشته باشد به خود می آید. در این حال یا دست از ستم بر می دارد یا حدود تجاوزش را کم می کند.

امروز در دنیا آن قدر درباره ی افکار عمومی صحبت می شود، رسانه های گوناگون راه می اندازند تا افکار عمومی را در اختیار بگیرند. دعا برای این که افکار عمومی را به طرف حقّ و طرف داری از عدالت گستران هدایت بکنند، از بهترین و پاک ترین چیزهاست. و برای ترویج عدالت و احسان و جلوگیری از ستم و طغیان امر بسیار خوبی است. و لذا پیامبر عظیم الشان اسلام و امیرمؤمنان - علیهما السلام - و ائمه ی معصومین - علیهم السلام - به حسب روایات متعدّده ای که داریم سعی در این داشته اند که در نمازهایشان، در

ص: ۴۷

تعقیباتشان و در دعاهایشان به نفع عدالت گستران دعای خیر کنند و علیه ستمکاران و متجاوزان نفرین نمایند. امیرالمؤمنین - علیه السلام - در دعایی که در قنوت یا بعد از نماز می خواندند، علیه عدّه ای نفرین می کردند حال یا به نحو کلی یا با اسم بردن خاصّ و به طور جزئی . نصر بن مزاحم در کتاب وقعه صفین می گوید:

فَكَانَ عَلِيٌّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - بَعْدَ الْحُكُومَةِ إِذَا صَلَّى الْعِدَّةَ وَالْمَغْرِبَ وَفَرَغَ مِنَ الصَّلَاةِ وَسَلَّمَ قَالَ: اللَّهُمَّ الْعَيْنَ مُعَاوِيَةَ وَعَمْرَوًا (عمرو عاص) و أبا مَوْسَى و ... (۱)؛ علی - علیه السلام - پس از قضیّه ی حکمیّت، بعد از سلام نماز صبح و مغرب می گفت: خدایا! لعن فرما معاویه و عمرو عاص و ابوموسی و

از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - هم، دعا علیه مشرکین و سران آنان نقل شده است. از سایر ائمه ی اطهار - علیهم السلام - نیز، چنین نفرین و دعاهایی در تعقیباتشان نقل شده است؛ یعنی علیه بدکاران و تبهکاران و ستمکاران دعا می کردند. و بالخصوص در مورد امام صادق - علیه السلام -

۱- بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۳۰۳، شرح نهج البلاغه ی ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۶۰ و وقعه صفین، ص ۵۵۲.

آمده است که بعضی ها را اسم می بردند. خدایا فلانی و فلانی را از رحمت خودت دور کن. چه مرد و چه زن. اهمیتی که اسلام برای کمک به مظلومان و مقابله با ظالمین داده است در یک طیف وسیعی تجلی پیدا می کند.

این ها به حسب ظاهر حداقل است، اما فی الواقع خیلی اثر دارد. دعایی که در قنوت و سجده خوانده می شود. دعا بعد از نماز و در هنگام تعقیبات و در غیر وقت نماز، هنگامی که انسان حال خوشی دارد، همه ی این ها می تواند این خدمت را به حق و حقیقت بکند که کسانی را که در طریق عدالتند کمک نماید، و علیه کسانی که در طریق فساد و تباهی و ظلمند مبارزه کند. علاوه بر این که در درگاه خداوند این دعاها چه بسا و امید است چنین باشد به اجابت برسد و بارها شده است.

چنان که از امام صادق - علیه السلام - وارد شده است که وقتی بعضی از افراد را نفرین می کردند، همان شب هنوز حضرت - علیه السلام - از حال دعا خارج نشده بودند که دعایشان مستجاب می شد (۱). دعا اثرات روانی

۱- وقتی که داوود بن علی عموی سَفَاح و منصور دوانیقی یکی از دوستان و کارگزاران مهم امام صادق - علیه السلام - به نام معلی بن خنیس را گرفت و او را کشت، امام - علیه السلام - بعد از این که مطلع شد ناراحت آمد پیش والی مدینه و فرمود: چرا معلی کارگزار من را گرفتید و اذیت کردید. چون او را گرفته بود تا اسامی شیعیان را افشا کند و نشان دهد که هر شیعه ای کجاست و چه موقعیتی دارد که معلی حاضر نشد و گفت: حتی اگر اسامی زیر پای من باشد، پایم را بلند نمی کنم؛ از این جهت معلی را کشتند. امام - علیه السلام - ناراحت شد و آمد پیش داوود که از بنی عباس بود؛ و والی آن ها، فرمود: چرا کارگزار من معلی را کشتی؟! او از مقام حضرت ترسید. گفت: من نکشتم. امام - علیه السلام - فرمود: پس چه کسی کشته است؟ گفت: رئیس شرطه، سیرافی کشته است. حضرت فرمودند: با اذن تو یا بی اذن تو؟ اگر بی اذن توست اجازه بده قصاصش کنیم. دست و پا را گم کرد و گفت: صاحب اختیار هستید. در بعضی روایات است که حضرت با فرزندش اسماعیل بودند و اسماعیل با شمشیر رئیس شرطه را کشت. سیرافی قبل از کشته شدن فریاد می زد: ایها الناس! این ها دستور می دهند مردم را بکشید وقتی که کشتیم قصاص می کنند. و در روایت است خود داوود هم بعد از دعا و التجاء حضرت - علیه السلام - به درگاه خداوند در آخر شب و نفرین بر او، مُرد. (بر گرفته از مقاله ی درخشش شخصیت امام صادق - علیه السلام - ، از مؤلف). «قَالَ حَمَادٌ فَأَخْبَرَنِي الْمِسْمَعِيُّ عَنِ مُعْتَبِ قَالَ: فَلَمْ يَزَلْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - لَيْلَتَهُ سَاجِدًا وَقَائِمًا فَسَمِعْتُهُ فِي آخِرِ اللَّيْلِ وَهُوَ سَاجِدٌ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ الْقَوِيَّةِ وَمَحَالِّكَ الشَّدِيدَةِ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ لَهَا دَلِيلًا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَأْخُذَهُ السَّاعَةَ السَّاعَةَ قَالَ: فَوَاللَّهِ مَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنْ سَجُودِهِ حَتَّى سَمِعْنَا الصَّائِحَةَ فَقَالُوا: مَاتَ دَاوُدُ بْنُ عَلِيٍّ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - : إِنِّي دَعَوْتُ اللَّهَ عَلَيْهِ بِدَعْوِهِ بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكًا فَضْرَبَ رَأْسَهُ بِمِرْزَبِهِ انشَقَّتْ مَثَانَتُهُ». بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۵۲.

ص: ۴۹

اجتماعی گسترده ای دارد و اهرمی پاک و قوی در اختیار مؤمنین است. مخصوصاً با توجه به نکته ای که قبلاً اشاره کردیم که تکرار و اصرار در دعا از امور توصیه شده است. و چقدر محروم است جامعه ای که با دعا بیگانه می باشد. گاهی هم وقتی

ص: ۵۰

بیگانه‌های از معنویت این سلاح برنده را در دست مؤمنان می‌بینند علی‌رغم عدم اعتقاد درونی به شبیه‌سازی ظاهری روی می‌آورند که از مضحک‌ترین شوگردهاست. وقتی که در دوره‌ی به اصطلاح اصلاحات (غربی) و تسلط سکولارهای پنهان و نیمه‌پنهان، مردم مؤمن به خاطر دفع شرّ آنان اقبال بیشتری به دعا و تضرّع و توسّل به درگاه خداوند آوردند و بحمدالله خداوند متعال هم عنایت فرمود برخی از آنان در آن دوره و نیز بعد از خلع‌ید، در کنار سایر توطئه‌های خود به شبیه‌سازی دعا و توسّل و تضرّع پرداختند!!

و واقعاً شگفتی‌آفرین است که کسانی بخواهند با دعا علیه دعا و اهل دعا مقابله کنند، با توسّل علیه اولیای الهی برنامه داشته باشند و با مجالس فاتحه و قرائت قرآن علیه قرآن و اهل قرآن تبلیغات کنند، به اسم روحانیت و مرجعیت علیه روحانیت و مرجعیت توطئه کنند، و به اسم امام و انقلاب علیه امام و راه امام و اساس انقلاب اهداف خود را پیش ببرند... ولی دنیا جای شگفتی‌هاست.

نظیر همین در مقیاس دیگری در زمان امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - اتفاق افتاد وقتی معاویه مطلع

ص: ۵۱

شد که امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - بعد از نماز علیه او دعا می کند، او هم به شبیه سازی مزورانه پرداخت و وقتی نماز می خواند العیاذ بالله سه نفر از معصومین - علیهم السلام - و برخی از اصحاب امیرالمؤمنین - علیه السلام - را به اسم لعن می کرد (۱). در این جا این نکته را هم باید تذکر دهم که حتّی دعا علیه ظالم هم حدودی دارد و افراط بی جا مذموم است. در روایت صحیح هشام بن سالم آمده است:

إِنَّ الْعَبْدَ لَيَكُونُ مَظْلُومًا فَمَا يَزَالُ يَدْعُو حَتَّى يَكُونَ ظَالِمًا (۲)؛ همانا بنده مظلوم است؛ اما آن قدر دعا علیه (ظالم بر خود) می کند، که خود ظالم می شود.

(۷) اظهار عقاید حقّه و شناساندن اولیای الهی

یکی دیگر از ویژگی های دعا، ابراز عقاید حقّه و شناساندن آن، و شناساندن اولیاء الهی و برگزیده گان خداوند متعال به دیگران می باشد. یکی از مهم ترین

-
- ۱- «فكان إذا قنت (مُعَاوِيَه) لَعَنَ عَلِيًّا وَ حَسَنًا وَ حُسَيْنًا وَ ابْنَ عَبَّاسٍ وَ قَيْسَ بْنَ سَعْدِ بْنِ عَبَادَةَ وَ الْأَشْتَرِ...». وقعه صفین، ص ۵۵۲. و در شرح نهج البلاغه ی ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۶۰ آمده است: «فكان إذا صَلَّى (مُعَاوِيَه) لَعَنَ عَلِيًّا وَ».
 - ۲- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۳۱.

ص: ۵۲

ویژگی هایی که از طرف معصومین - علیهم السلام - به ماتوصیه شده و در دعاهای مأثور نیز آمده است این که خدای متعال را به اولیایش قسم می دهیم، یا بر آنان درود می فرستیم و ... گاهی این قسم دادن و ذکر اولیاء به نحو کلی است: خدایا به حق اولیایت. این خوب است، امّا مهم تر آن است که گاهی و در برخی موارد شایسته هم هست که چنین باشد بر روی افراد خاصّ انگشت می گذاریم و این ها را واسطه ی بین خود و خدای خود قرار می دهیم. وقتی که دیگران این را می بینند یا می فهمند که من در دعایم در آن وقتی که مضطر شده ام و مشکلی دارم و هیچ راهی ندارم، و برای رفع مشکلم از ظریف ترین، دقیق ترین و مطمئن ترین راه استفاده می کنم، ناله می کنم خدایا! مستأصل و بی چاره و مضطّرّم، خدایا به حقّ پیامبرت - صلی الله علیه و آله و سلم -، به حقّ امیرالمؤمنین - علیه السلام -، به حقّ فاطمه ی زهرا - علیها السلام -، به پهلوی شکسته ی زهرا - علیها السلام - . این ها را که ذکر می کنیم یعنی پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - در درگاه خداوند عزیزترین فرد است و برای من هم عزیزترین. چرا؟ به خاطر این که من عزیزترین را به درگاه خدا می آورم؛ بنابراین پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - نزد من عزیز است؛ چون در نزد خدا عزیزترین است.

ص: ۵۳

امیرالمؤمنین - علیه السلام - و اولاد ایشان هم این چنین هستند. در روایت از امام رضا - علیه السلام - آمده است:

إِذَا نَزَلَتْ بِكُمْ شِدَّةٌ فَاسْتَعِينُوا بِنَا عَلَى اللَّهِ ... (۱)؛ هنگامی که بر شما دشواری نازل شد پس از ما استعانت بجوئید به سوی خدا ...

و یا در دعا می گوئیم: خدایا! به حق قرآنت، و چه بسا آن را بر سر می گذاریم؛ یعنی قرآن پیش ما عزیز است و یک حقیقت آسمانی است.

ما هیچ وقت خداوند را مثلاً به یک کتاب داستان سر گرم کننده قسم نمی دهیم. این که ارزش ندارد. خدا را به نویسنده ی یک داستان، قسم نمی دهیم؛ اما خدا را به قرآنش قسم می دهیم؛ یعنی از عمق جانمان به حقیقت آن اعتقاد داریم و این اعتقادمان را به دیگران سرایت داده و در جامعه گسترش می دهیم. این معنی را در جامعه جا می اندازیم که قرآن حق است و در پیش گاه خداوند متعال عزیزترین است. پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - و اهل بیت پیامبر - علیهم السلام - هم در پیش گاه خداوند متعال این چنین هستند. این که

۱- «إِذَا نَزَلَتْ بِكُمْ شِدَّةٌ فَاسْتَعِينُوا بِنَا عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا» قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - : نَحْنُ وَاللَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى الَّذِي لَا يُقْبَلُ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا. قَالَ: فَادْعُوهُ بِهَا.» مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۳۰.

ص: ۵۴

اسماء مبارک ائمه ی معصومین - علیهم السلام - در دعاها می آید دو خاصیت دارد:

الف) یکی این که به واسطه ی ایشان دعای ما مستجاب می شود.

ب) دیگر این که ایشان که پرچم داران حق و عدالت، و امامان بر حق و برگزیدگان الهی هستند، به مردم معرفی می شوند و ابراز می شود که این عقیده ی خالص من است.

در بسیاری از دعاها و زیارات اسماء ائمه - علیهم السلام - را می بریم. و چه بسا در بسیاری از دعاها اسماء مؤمنین را می بریم. شما هنگامی که نماز شب می خوانید، در دل شب و در آن تاریکی ها که چشم های خسته خواب است؛ چشم های کسانی که عقیده ندارند خواب است؛ چشم های کفار هم خواب است، از میان بستر نرم از خواب شیرین بلند شده ای و وضو گرفته ای و آمده ای با خدای خودت، با ربُّ الارباب، با پروردگار عالمیان مناجات و راز و نیاز می کنی؛ اما در قنوت نماز و تر چهل مؤمن را دعا می کنی و مثلاً برای آنان طلب غفران می کنی؛ چون:

ص: ۵۵

مَنْ قَدَّمَ أَرْبَعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ثُمَّ دَعَا اسْتَجِيبَ لَهُ (۱)؛ هر کس چهل نفر از مؤمنین را مقدّم کرده و سپس دعا کند، دعایش مستجاب می شود.

این چهل مؤمن را که یاد می کنی؛ یعنی این ها در درگاه خداوند متعال، ارزش دارند و می توانی با حداقلّ دعایی برای ایشان جلب لطف و رضایت خداوند را بکنی تا خداوند متعال دعای تو را مستجاب کند. در مثل این لحظات حسّاس چه کسانی را اسم می بری؟ علما، زهاد و اولیا را یاد می کنی. مثلاً می گویی: «اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلشَّيْخِ الْكَلْبِيِّ، لِلصَّدُوقِ، لِلشَّيْخِ الطُّوسِيِّ، لِلْمَحْقِقِ الْاِرْدَبِيلِيِّ، لِلْفَلَّانِ لِلْفَلَّانِ» این ها را دعا می کنی؛ یعنی راه این ها، راه درستی است؛ یعنی این ها پرچم داران راه حقیقت هستند. این ها از برکات دعاست. دعا می تواند حقایق تکوینی و تشریحی را و آن چه را که مرضیّ رضای خداوند است و آن چه را که مورد عنایت پروردگار عالم است، به زبان ما بیاورد و این را در جامعه ترویج کند. بنابراین دعا راهی برای اظهار عقاید حقّه و شناساندن اولیای الهی، و راه های ایشان می باشد. و این که در دعاها خدا را قسم می دهیم به

۱- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۱۷.

ص: ۵۶

اولیاء خودش، به ائمه ی معصومین - علیهم السلام - و نیز بر آنان درود می فرستیم این خاصیت بر دعا مترتب است که علاوه بر آن که به عنایت پروردگار دعا مستجاب می شود، این بزرگان هم به جامعه شناسانده می شوند و معرفت خودمان نیز افزایش می یابد.

۸) روشن بودن نور امید، در سخت ترین و تاریک ترین شرایط

اثر دیگری که بر دعا مترتب است آن که انسان همیشه به پشتوانه ی دعا امیدوار است. هر مشکلی در هر مقیاس کمی و کیفی پدید بیاید انسان می تواند با دعا به نوعی برون رفت از آن را از خداوند درخواست کند. و از آن جا که انسان دعا کننده می داند خداوند متعال قادر بر هر چیز است و مستجاب کننده ی دعاها ی بندگانش می باشد هیچ گاه نور امید در دل مؤمن خاموش نخواهد شد. در سخت ترین شرایط، در تاریک ترین لحظات و در ترسناک ترین وضعیت دعا کننده باز امید به گشایش و پیروزی دارد. و این نکته ی بسیار دقیقی است که قرآن کریم بر آن عنایت ویژه فرموده است. آیه ی شریفه ی:

ص: ۵۷

«أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ» (۱)؛ یا کیست آن که هرگاه در مانده‌ی بیچاره او را بخواند پاسخ می‌گوید و گرفتاری را برطرف کند.

آشنای دل مؤمنان است. و جالب آن است که در روایت آمده: مصداق اتمّ مضطری که خداوند را می‌خواند و پاسخ گرفته و مشکلش رفع می‌شود، قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه می‌باشد و این اختصاص، با توجه به دنباله‌ی آیه بیشتر آشکار می‌شود که خداوند می‌فرماید:

«وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ...»؛ و شما را خلفای زمین قرار می‌دهد.

روایات متعددی مشتمل بر این مضمون است. از جمله:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ: نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - هُوَ وَاللَّهُ الْمُضْطَرُّ إِذَا صَلَّى فِي الْمَقَامِ رَكَعَتَيْنِ وَ دَعَا اللَّهَ فَأَجَابَهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُهُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ (۲)؛ امام صادق - علیه السلام - فرمود: آیه در مورد قائم - علیه السلام - نازل شده

۱- سوره ی نمل، آیه ی ۶۲.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴۸.

ص: ۵۸

است. به خدا او مضطرّ می باشد؛ هرگاه در مقام، دو رکعت نماز بگذارد و خدا را بخواند پس خداوند او را جواب داده و بدی را بر طرف نماید، و او را جانشین در زمین قرار دهد.

در آیات متعدّد دیگری نیز مسئله ی استجاب دعا در حال اضطرار و بیچارگی ذکر شده است. واقعاً وقتی کسی در بن بست شرایط مادی قرار می گیرد و تمام راه ها بر او بسته باشد چه چیزی جز دعا و عنایت پروردگار می تواند نجات بخش او باشد. فرض کنید کسی بر کشتی سوار است و امواج توفنده ی دریا در دل اقیانوس در شب تار بدنه ی کشتی را شکافته و هر لحظه با سرعت آب بیشتری داخل می شود. جز دعا و پناه بردن به قدرت بی پایان حضرت حقّ چه چیز می تواند امید بخش چنین فردی باشد؟! یا هوایمایی در بالای ابرها در دل آسمان دچار سانحه شده است و هر آن مُشرف به سقوط است آیا جز دعا روزنه ی امید دیگری هست و همین طور در بیماری ها، در خشک سالی ها و در مشکلات فراگیر اقتصادی، در کشمکش ها و جنگ ها و ...

این دعا چیزی است که می تواند به افراد درمانده و محاصره شده در حوادث روحیه، نشاط، عزم و

ص: ۵۹

اراده ببخشد و صرف نظر از حیثیت استجاب، دعا فرد را از ورطه‌ی خود باختگی و اضمحلال نجات داده، او را به تلاش نجات بخش و می‌دارد. و به طور کلی امید به رحمت و اعتقاد به قدرت پروردگار، اصلی بنیادین در بینش قرآنی است که از آن شاخه‌های متعددی می‌جوشد معمولاً در دعاها بر دو وصف رحمت و قدرت و مترادف‌های این دو تأکید می‌شود. مثلاً در دو فراز آغازین دعای شریف کمیل، خداوند متعال را به رحمت و قدرت فراگیرش می‌خوانیم و درخواست می‌کنیم (۱). و تکرار عبارت یا ارحم الراحمین و نیز **إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ** در دعاها بر همین اساس است و دعا بدون چنین باوری حقیقتاً دعا نیست؛ لقلقه‌ی بی‌معنای زبان است.

ببینید چگونه امام حسین - علیه السلام - در سخت‌ترین شرایط که مشابه آن وجود ندارد و بعد از شهادت فرزند شیرخوارش، باز هم چنان وجودش سرشار از امید به درگاه خداوند است و عرض می‌کند:

۱- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ.»

ص: ۶۰

اللَّهُمَّ إِن كُنْتَ حَبَسْتَ عَنَّا النَّصْرَ فَاجْعَلْ ذَلِكَ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَّنَا (۱)؛ خدایا! اگر پیروزی ما را مقرر نفرمودی آن چه را برای ما بهتر است برای ما قرار بده.

این همه رنج و مصیبت، هتاک‌های دشمن، شهادت عزیزان، تشنگی خود و اهل حرم و خطر قریب الوقوع اسارت اهل حرم و ... نتوانسته نور امید به رحمت و قدرت حق را در دل امام - علیه السلام - کم سو کند:

اولاً عدم پیروزی ظاهری را به گونه‌ی شرطی بیان می‌کند که: اگر پیروزی ما را مقرر نفرمودی.

ثانیاً درخواست می‌کند در ازاء حبس پیروزی از ما، آن چه را برای ما بهتر است، برای ما قرار بده.

زیبایی، توحید، تسلیم و امید، در آخرین دعای حضرت - علیه السلام - به اوج می‌رسد:

اللَّهُمَّ (أنت) مُتَعَالَى الْمَكَانِ عَظِيمِ الْجَبْرُوتِ شَدِيدِ الْمِحَالِ غَنِيٌّ عَنِ الْخَلَائِقِ عَرِيضُ الْكِبْرِيَاءِ قَادِرٌ عَلَى مَا تَشَاءُ قَرِيبُ الرَّحْمَةِ صَادِقُ الْوَعْدِ سَابِغُ النِّعَمِ حَسَنُ الْبَلَاءِ قَرِيبٌ إِذَا دُعِيَ ... فَاجْعَلْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا فَرَجًا و

ص: ۶۱

مَخْرَجاً بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱)؛ خدایا! (تو) مقام برتری داری و بزرگ جبروتی و بر حکم تدبیر سخت توانایی (سخت کفبری). بی نیازی از خلاق. دستگاه بزرگیت، پهناور است. توانایی بر هر چه خواهی. نزدیک است رحمت تو. وعده ات راست، نعمت فراوان و امتحان نیکوست. نزدیکی در وقت دعا. پس مقرر فرما برای ما در کار ما فرج و گشایشی. به رحمت تو ای مهربان ترین مهربانان.

البته باید توجه کنیم، هیچ کس نباید به آن چه شدنی نیست و یا حرام است، دعا کند. امیرالمؤمنین - علیه السلام - در پاسخ کسی که پرسید: چه دعایی تباہ ترین است؟ فرمود:

الدَّاعِي بِمَا لَا يُكُونُ (۲)؛ کسی که دعا کند به چیزی که شدنی نیست.

و در روایت از پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - است که دعای مؤمن مستجاب است «مَا لَمْ يَدْعُ بِمَا تَمَّ (۳)؛ مادام که دعای به گناه نکند.»

از موارد دعای به امر ناشدنی این است که کسی مثلاً برای دیگری دعا کند که: خداوند هیچ امر

۱- مصباح المتعجد، ج ۲، ص ۸۲۷.

۲- من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۸۱.

۳- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۷.

ص: ۶۲

ناخوشایندی را برای تو پیش نیاورد؛ زیرا به تعبیر روایت:

مَنْ عَاشَ فِي الدُّنْيَا لَا بُدَّ أَنْ يَرَى الْمَكْرُوهَ (۱)؛ هر که در دنیا زندگی کند، به ناچار ناخوشایند خواهد دید.

چنان که در نهج البلاغه آمده است:

کسی از شهادت هرگز نگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ لِأَنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ إِلَّا وَهُوَ مُشْتَمِلٌ عَلَيَّ فِتْنَةٍ؛ خدایا! پناه می برم به تو از فتنه؛ زیرا هیچ کس نیست مگر آن که درگیر فتنه است. ولکن کسی که به خداوند پناه می برد، پناه برد از مضلّات الفتن؛ یعنی: فتنه های گمراه کننده. همانا خداوند سبحان می فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ»؛ بدانید که اموال و فرزندانان فتنه و آزمایش می باشند. (۲)

-
- ۱- شرح نهج البلاغه ی ابن ابی الحدید، ج ۲۰، (حکمت های منسوب به امیرالمؤمنین - علیه السلام -) حکمت ۳۰۱، ص ۲۸۹.
 - ۲- نهج البلاغه ی صبحی صالح، حکمت ۹۳، ص ۴۸۳. و برخی روایت «مَنْ سَأَلَ فَوْقَ قَدْرِهِ اسْتَحَقَّ الْجِرْمَانَ؛ کسی که برتر از اندازه ی خود درخواست کند سزاوار محرومیت است.» را حتّی به درخواست از خداوند نیز سرایت داده اند که ظاهراً صحیح نیست و روایت مربوط به درخواست از انسان ها می باشد. روایت دیگری از امیرالمؤمنین - علیه السلام - وارد شده است که می تواند تا اندازه ای در فهم روایت سابق، مفید باشد: «مَنْ سَأَلَ غَيْرَ اللَّهِ اسْتَحَقَّ الْجِرْمَانَ؛ کسی که از غیر خداوند درخواست کند سزاوار محرومیت است.»

(۹) آخرین تلاش، جهت روشن کردن حقّ و رسوا نمودن معاندان حقّ

یکی دیگر از آثار قاطع دعا این است که انسان مؤمن صادق در برخی شرایط برای اثبات حقّ و ابطال باطل گرفتار انسان های لجوج و معاند حقّ می شود که به خاطر سلطه ی هواهای نفسانی و وسوسه های شیطان در مقابل حقّ تسلیم نمی شوند و بر انکار خود اصرار می ورزند، از آن افرادی که:

«إِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا» (۱)؛ آن ها چنانند که اگر هر آیه و نشانه ای را ببینند، به آن ایمان نمی آورند.

در چنین موقعیتی هیچ راهی برای دفع لجاجت و عناد آنان و جلوگیری از تأثیر گذاری منفی آنان بر دیگران که معاند حقّ نیستند وجود ندارد؛ و در این جاست که دعا (مباهله) پناه بسیار کارساز و راه گشایی برای طرفداران حقّ می باشد. داستان مسیحیان نجران و انکار آنان بر پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - و اصرار بر

۱- سوره ی أعراف، آیه ی ۱۴۶.

ص: ۶۴

این که حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام فرزند خداست و سپس دعوت نمودن پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - آنان را به مباحله و امتناع آنان از مباحله معروف است. خداوند متعال می فرماید:

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (۱)؛ هرگاه بعد از علم و دانشی که (در باره ی عیسی) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آن ها بگو: بیایید ما پسران خود را دعوت کنیم، شما هم پسران خود را، ما زنان خویش را دعوت نمایم، شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود، آن گاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

این آیه ی شریفه گرچه مربوط به پیامبر عظیم الشأن اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - و اهل بیت - علیهم السلام - است، اما به حسب روایات متعدده ی اهل بیت - علیهم السلام - ، دیگران هم می توانند در مثل چنین موقعیت ها، مباحله کنند. مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی از یکی از یاران امام

۱- سوره ی آل عمران، آیه ی ۶۱.

صادق - علیه السلام - به نام ابو مسروق نقل می کند که: خدمت حضرت عرض کردم، با مخالفین سخن می گوئیم و استدلال می کنیم به آیات قرآن کریم مثل آیه ی «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»، آیه ی «إِنَّمَا وَثَّقْتُكُمْ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»، «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» و مشابه این ها، ولی مخالفین، حاضر به اعتراف به حق نمی شوند. حضرت صادق - علیه السلام - در پاسخ فرمودند:

إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَادْعُهُمْ إِلَى الْمُبَاهَلَةِ...؛ هر گاه چنین شد آنان را به مباحله فراخوان ...

و آن گاه از خدمت حضرت، روش مباحله را می پرسد و جواب دریافت می کند. (۱)

۱- «عَنْ أَبِي مَسْرُوقٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ: قُلْتُ: إِنَّا نَكَلِّمُ النَّاسَ فَنَحْتَجُّ عَلَيْهِمْ بِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» فَيَقُولُونَ: نَزَلَتْ فِي أَمْرَاءِ السَّرَايَا. فَنَحْتَجُّ عَلَيْهِمْ بِقَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ «إِنَّمَا وَثَّقْتُكُمْ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» فَيَقُولُونَ: نَزَلَتْ فِي الْمُؤْمِنِينَ. وَ نَحْتَجُّ عَلَيْهِمْ بِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» فَيَقُولُونَ: نَزَلَتْ فِي قُرْبَى الْمُسْلِمِينَ. قَالَ: فَلَمْ أَدْعُ شَيْئًا مِمَّا حَضَرَنِي ذِكْرُهُ مِنْ هَذِهِ وَ شَبِهِهِ إِلَّا ذَكَرْتُهُ فَقَالَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - لِي: إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَادْعُهُمْ إِلَى الْمُبَاهَلَةِ. قُلْتُ: وَ كَيْفَ أَصْنَعُ؟ قَالَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - : أَصْلِحْ نَفْسَكَ ثَلَاثًا وَ أَظْنِئْهُ قَالَ: وَ صُمْ وَ اغْتَسِلْ وَ ابْرُزْ أَنْتَ وَ هُوَ إِلَى الْجَبَانِ فَشَبَّكَ أَصَابِعَكَ مِنْ يَدِكَ الْيَمَنِ فِي أَصَابِعِهِ ثُمَّ أَنْصَفَهُ وَ أَبَدَأَ بِنَفْسِكَ وَ قُلْ: اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ إِنْ كَانَ أَبُو مَسْرُوقٍ جَحَدَ حَقًّا وَ ادَّعَى بِاطِلَالٍ فَانزِلْ عَلَيْهِ حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ أَوْ عَذَابًا أَلِيمًا ثُمَّ رُدَّ الدَّعْوَةَ عَلَيْهِ فَقُلْ: وَ إِنْ كَانَ فُلَانٌ جَحَدَ حَقًّا وَ ادَّعَى بِاطِلَالٍ فَانزِلْ عَلَيْهِ حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ أَوْ عَذَابًا أَلِيمًا ثُمَّ قَالَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - لِي: فَإِنَّكَ لَا تَلْبِثُ أَنْ تَرَى ذَلِكَ فِيهِ فَوَاللَّهِ مَا وَجَدْتُ خَلْقًا يُجِيبُنِي إِلَيْهِ.» وسائل الشيعه، ج ۷، ص ۱۳۴.

ص: ۶۶

و انصافاً این گونه دعا سلاح برنده‌ای است که فقط در اختیار حقّ مداران است و تمام دروغ‌گویان و فریب‌کاران از آن بی‌بهره‌اند، و نباید در موقعیت‌های لازم، مورد غفلتِ اهل حقّ قرار گیرد.

۱۰ خروج از بطالت و بی‌ارزشی

یکی دیگر از فواید دعا که شاید هیچ چیز دیگر جایگزین آن نمی‌تواند باشد این است که گاهی یک انسان در شرایطی قرار می‌گیرد که فکر می‌کند هیچ اثری بر وجودش مترتب نیست و یک عضو بی‌فایده، کنار رفته و سرّبارِ خانواده و جامعه است. احساس پوچی و سرّبار بودن چنان فرد را رنج می‌دهد که هیچ چیز نمی‌تواند آن را از بین ببرد. اما دعا تنها راهی است که می‌تواند این فرد را از پوچی و سرّبار بودن، و از بی‌اثر بودن در جامعه و خانواده خارج کند. وقتی که زبانی گویا و شاکر داشته باشد

ص: ۶۷

و برای کسانی که به او احسان می کنند، برای اطرافیان و دوستانش دعا کند، می بیند که می تواند برای آن ها کاری کند که دیگران با این شرایط نمی توانند انجام بدهند. گاهی انسان پول یا قدرتی ندارد که بتواند با آن به دیگران خدمتی کند، و نه حتی علمی دارد که راهی به آن ها ارائه دهد؛ بلکه تنها زبان گویایی دارد که می تواند با آن در درگاه خداوند متعال ابتهال کند. وقتی فرزند بر پدر پیرش وارد می شود و خدمتی به او می کند، پدر دست ها را به درگاه الهی بالا می برد: خدایا! به فرزندم خیر بده، به فرزندانش خیر بده؛ آن چنان لذتی در فرزند ایجاد می شود که شاید معادل نداشته باشد؛ زیرا:

أَرْبَعَةٌ لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ: إِمَامٌ عَادِلٌ وَالْوَالِدُ لَوْلَدِهِ وَ... (۱)؛ چهار گروه دعایشان برگشت ندارد: پیشوای عادل و پدر برای فرزند و ...

چه بسا اگر در برابر این خدمت میلیون ها پول به او می داد و به جای دعا مال به او می بخشید، آن مقدار رضایت را برای فرزندش جلب نمی کرد؛ چون مال تضمینی ندارد، اما چنین درخواستی از درگاه خداوند تضمین دارد و خداوند تضمین

ص: ۶۸

کننده ی آن است، و به ویژه اگر مورد دعا از اموری باشد که با پول قابل خریداری نیست. از طرف دیگر خود فرد دعا کننده می بیند انسان عاطل و باطلی نیست و حدّ اقلّ این است که می تواند دعا کند و این دعا، برای خود و اطرافیانش نافع و برای آنان دارای مطلوبیت است، مخصوصاً با توجه به این که دعا، عبادت است و در روایت آمده است:

كَفَى بِالْعِبَادَةِ سُغْلًا (۱)؛ عبادت به عنوان اشتغال فرد، کافی است.

نه این که انسان تلاش دنیایی را رها کند، بلکه تا وقتی توان دارد به اندازه ی شایسته به دنبال دنیا هم برود و دعا و عبادت را هم داشته باشد. و حتّی برای آن چه دعا می کند در مقام عمل هم برای تحقّق آن تلاش کند، چون تلاش برای معاش و نیازهای دنیوی نیز وظیفه است و انجام وظیفه (حدّ اقلّ ترک حرام و انجام واجبات)، شرط استجاب دعا می باشد:

۱- «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ فِي حَدِيثٍ: كَفَى بِالْمَوْتِ مَوْعِظَةً وَ كَفَى بِالْيَقِينِ غِنًى وَ كَفَى بِالْعِبَادَةِ سُغْلًا؛ امام باقر - علیه السلام - در حدیثی فرمودند: یاد مرگ، به عنوان موعظه کافیست؛ بی نیازی را یقین، بس است و عبادت به عنوان اشتغال فرد، کافیست.» وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۸۳.

ص: ۶۹

الدَّاعِي بِلا عَمَلٍ كَالزَّامِي بِلا وَتَرٍ (۱)؛ درخواست کننده ی بدون عمل، مانند تیراندازی است که کمانش را زه نیست.

و نیز:

أَحْمَقُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْعَمَلَ وَ تَمَنَّى عَلَى اللَّهِ (۲)؛ نادان ترین مردم کسی است که ترک عمل به وظیفه کند و آرزو به خداوند بَرَد.

و کلینی نقل می کند: علاء بن کامل بر امام صادق - علیه السلام - وارد شد و عرض کرد:

أَدْعُ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي فِي دَعَايِهِ؛ از خداوند بخواهید مرا در راحتی و بدون تلاش، روزی دهد. حضرت - علیه السلام - در پاسخ فرمود:

لَا أَدْعُو لَكَ، أَطْلُبُ كَمَا أَمَرَكَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ (۳)؛ برای تو دعا نمی کنم، تلاش کن چنان که خداوند عَزَّوَجَلَّ به تو امر فرموده است.

اما ممکن است وقتی بر انسان بگذرد که دستش کوتاه است و توانایی انجام کاری را ندارد؛ مثلاً در بستر افتاده و از فشار بیماری و

ضعف پیری هیچ

۱- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۴۵.

۲- شرح ابن میثم، ج ۵، ص ۴۰۸.

۳- کافی، ج ۵، ص ۷۸.

ص: ۷۰

حرکت و عمل مفیدی را نمی تواند انجام بدهد؛ اما می تواند زبانش را حرکت دهد و یا در درونش به دعا و ذکر خداوند مشغول شود این جاست که دعا و ذکر تنها اشتغال چنین فردی به حساب می آید. این دعا نعمتی بزرگ هم برای خودش و هم برای دیگران است. و دعا سرمایه ای برای او و هدیه ای به دیگران می باشد.

دیگران احساس می کنند در مقابل کاری که به چنین فردی ارائه می دهند عوض دریافت می کنند؛ آن هم عوضی که به مراتب از آن چه که آن ها انجام می دهند ارزشمندتر است؛ چون دعای مریض، دعای پدر و مادر و دعای ناتوان و ... به اجابت نزدیک تر است. حال اگر این فکر در جامعه رشد پیدا کند و فرهنگ پا بر جای مردم بشود به گونه ای که تا اندازه ای با حقایق عالم بالا آشنا شوند و محصور در این پیچ و خم مادیت نباشند و بدانند که این عالم، ملکوت و باطن و معنایی دارد که بسیار فراخ تر، عمیق تر، زیباتر و قدرتمندتر از این دنیاست و دعا پلی به آن عالم است، اگر انسان ها بفهمند که دعا سرمایه ای بی پایان و فناپذیر است و در آخرین لحظات و رمق های حیات هم این دعا باقی است و به زندگی معنی عمیق می دهد، آن وقت فرد می تواند

ص: ۷۱

با دعا خودش را از بطلان و پوچی خارج کند و دید دیگران را نسبت به خودش عوض نماید و در مقابل خدمت دیگران، عالی‌ترین هدیه‌ها را بدهد.

تا این جا حدّ اقلّ ده ویژگی و اثر برای دعا شمارش کردیم:

(۱) نزدیک شدن به خداوند متعال.

(۲) برآورده شدن نیاز.

(۳) عمق بخشیدن به حقایق و نهادینه کردن آن‌ها در جان در مقابل غفلت‌ها.

(۴) تربیت اطرافیان.

(۵) ابراز محبت به دیگران و جلب محبت آن‌ها.

(۶) افشاندن بذر دوستی خوبان و ترویج دشمنی ستمکاران.

(۷) اظهار عقاید حقه و شناساندن اولیاء الهی.

(۸) روشن بودن نور امید در سخت‌ترین و تاریک‌ترین شرایط.

(۹) آخرین تلاش جهت روشن کردن حقّ و رسوا نمودن معاندان حقّ.

(۱۰) خروج از بطالت و بی‌ارزشی.

هشدار به انحرافی بزرگ در مقیاس توحید و شرک

اشاره

همان طور که بسیاری از مقدّس ترین مفاهیم در طول تاریخ، توسط جاهلان و مغرضان دچار سوء برداشت و سوء استفاده شده است، مفهوم مقدّس دعا هم، از این دست بُرد مصون نمانده است. و یکی از شدیدترین تحریف ها و سوء استفاده ها، مغالطه های عوامانه ای است که وهّابیت به تبع ابن تیمیّه، با تمام توان آن را بیان و تبلیغ کرده و بر آن آثار عجیبی را مترتب می نماید. سخن وهّابیون بر دو مقدمه و یک نتیجه، بدین گونه استوار است:

دعا، عبادت است و عبادت مخصوص خداوند است. پس هر کس غیر خداوند را بخواند، مشرک است (۱).

آن گاه بر آن مترتب می کنند که هر کس غیر خدا را بخواند، پس جان و مال و ناموس او هیچ احترامی ندارد. وهّابیون در طی سال های طولانی با این چند جمله، میلیون ها میلیون انسان موخّرد را، مُشْرک قلمداد کرده و تا آن جا که توانسته اند به جان، مال و نوامیس آنان تجاوز نموده اند. اکنون شایسته است لحظاتی درنگ نموده تا ببینیم مقصود

۱- الاصول الثلاثة، ص ۵، از ابن عبدالوّهّاب و شروح آن.

ص: ۷۳

از این عبارت چیست؟ و با رجوع به معتمدترین منابع اهل تسنن و حتی با غمض عین از روایات شیعه، بینیم آیا استتاجی که شده، صحیح می باشد؟

در این که عبادت و پرستش مخصوص خداوند متعال بوده و پرستش هر چیز و هر کس دیگر گمراهی و شرک است، تردیدی نیست. خداوند متعال می فرماید:

«أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ» (۱)؛ فرمان داده که غیر از او را نپرستید.

نیز در سوره ی مبارکه ی فاتحه می خوانیم:

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ» (۲)؛ فقط تو را می پرستیم.

و نیز:

«وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (۳)؛ و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند.

ولی سخن در این است که عبارت «دعا، عبادت است» یعنی چه؟ آیا نتیجه ای که بر آن مترتب کرده اند «هر کس غیر خدا را بخواند مشرک است» صحیح است؟

۱- سوره ی یوسف، آیه ی ۴۰.

۲- سوره ی فاتحه، آیه ی ۵.

۳- سوره ی کهف، آیه ی ۱۱۰.

ص: ۷۴

همان طور که در ابتدای بحث دعا روشن شد، دعا؛ یعنی: خواندن، و هیچ چیز دیگری در مفهوم دعا وجود ندارد. پس فرد، هر چه را ندا کند و به هر هدفی ندا کند، خواندن او است، چه انسان را بخواند و چه غیر انسان را بخواند. چه برای احترام، چه برای توبیخ و چه حتی گاهی جمادات و حوادث هم در کلمات، مورد ندا واقع می شوند (هرچند به نحو مجازِ عقلی، حدّ اقل در برخی موارد) مثل:

«قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا و سَلَامًا عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ» (۱)؛ ای آتش! بر ابراهیم سرد و سالم باش.

و:

«يَا اَسْفٰى عَلٰى يُوْسُفَ» (۲)؛ ای دریغ بر یوسف.

و مثل:

«أَلَا أُنَبِّئُكَ أَنَّ اللَّيْلَ الطَّوِيلَ أَلَا إِنجَلِيْ»؛ ای شب طولانی! آیا روشن نخواهی شد؟

یا کوكباً ما كَانَ أَقْصَرَ عَمْرَه؛ ای ستاره ای! که چقدر عمرش کوتاه بود.

۱- سوره ی انبیا، آیه ی ۶۹.

۲- سوره ی یوسف، آیه ی ۸۴.

ص: ۷۵

لبنانُ یا جبلاً کأنَّ نزیله؛ لبنان! ای کوهی که گویا ساکن آن.

چه رسد به حیوان، مثل:

یا فَرَسی سیری و اُمّی الشاما؛ ای اسبِ من! برو و شام را مقصد قرار بده.

أیا جَمَلی إنَّ أنتَ زرتَ بلادها؛ ای شتر من! اگر تو به سرزمین او برسی.

این که گفته می‌شود: دعا، عبادت است، آیا مقصود آن است که خواندن هر کس به هر غرضی عبادتِ مدعو (خواننده شده) است؟! اگر این مقصود باشد، بطلان و استهجان آن برای هر عاقلی روشن است و لازمه‌ی آن این است که باید استعمال حروف ندا برای غیر ذات اقدس حضرت حقّ جلّ جلاله کلاً حرام بوده و مساوی با شرک باشد، و بلکه هر نوع ندایی نسبت به غیر خداوند متعال هر چند به غیر حروف ندا، حرام باشد. در حالی که هر کس اندکی آشنایی با اسلام داشته باشد، بطلان و استهجان چنین سخنی را به وضوح تمام می‌داند. پس معلوم می‌شود دعای خاصی عبادت است، و باید توجه کرد که آن، چه دعایی است؟ هم از حیث متعلق و مدعو (خواننده شده) و هم از حیث هدف

ص: ۷۶

خواندن و ندا دادن.

آیا خواندن انسان یا هر موجود آگاه به هر غرضی عبادت او است؟ قطعاً هر خواندن انسان یا هر موجود آگاه دیگر به هر غرض، عبادت او نیست؟ و گرنه لازمه اش آن است که وقتی دوست خود را ندا می‌کنیم تا نزد ما بیاید و مثلاً می‌گوییم: یا زید! یا زید! نزد ما بیا، پرستش او بوده و شرک باشد. و وقتی جناب یوسف پیامبر علی نبینا و آله و علیه السلام می‌فرماید:

«یا صاحِبِ السِّجْنِ» (۱)؛ ای دو یار زندانی من!

العیاذ بالله عبادت آنان و شرک باشد. و یا وقتی حضرت یعقوب علی نبینا و آله و علیه السلام می‌فرماید:

«یا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا» (۲)؛ ای پسران من! بروید پس جستجو کنید.

پرستش آنان و شرک باشد و ...

اگر مقصود آن است که اگر کسی را ندا دهی و از او کمک بخواهی عبادت او بوده و شرک باشد،

۱- سوره ی یوسف، آیه ی ۳۹.

۲- سوره ی یوسف، آیه ی ۸۷.

ص: ۷۷

این هم قطعاً غلط است؛ زیرا بدین معناست که اگر یکی به دیگری بگوید مثلاً: ای فلانی! عصای من را بده، عبادت آن فرد و شرک باشد، و سخن حضرت سلیمان علی نبینا و آله و علیه السلام:

«يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوا أَيُّكُمْ يَأْتِنِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ» (۱)؛ ای اشراف و سران، کدام یک از شما تخت آن زن را پیش از آنکه همگی در حال تسلیم بر من وارد شوند برای من می آورد؟

العیاذ بالله عبادت مخاطب و شرک باشد!! توجه کنید که آوردن تخت بلقیس در آن شرایط امری غیر عادی بوده است. پس معلوم می شود تقاضای یک امر غیر عادی هم از کسی عبادت او و شرک نیست.

آخرین شگرد منحرین

آخرین شگردی که وهیابیت به کار می گیرد این است که می گوید: ندا و استعانت از کسی که مرده است، عبادت او و شرک است؟ در پاسخ این ادعای واهی گفته می شود:

اولاً: به چه دلیل، هر ندایی نسبت به یک مرده

۱- سوره ی نمل، آیه ی ۳۸.

ص: ۷۸

پرستش اوست؟ نهایت امر آن است که ندای مرده مثل ندای جماد است. آیا هر ندای جمادی، پرستش آن است؟ آیا اگر کسی بگوید: ای شب! سحر شو، شب را پرستیده و مشرک شده است؟ و حتی اگر کسی، آن چه را معقول و مشروع بوده از زنده بخواهد، فرضاً به اشتباه فکر کند مرده‌ای، زنده یا مثل زنده است و همان چیز را به همان گونه از آن مرده طلب کند، آیا این موجب خروج از اسلام و گرفتار شدن به شرک می باشد؟

ثانیاً: وهابیت این خزعبلات را به هم بافته است که از ندا دادن پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - و اولیای الهی ممانعت کند. این ها تصریح می کنند اگر بگویی: یا رسول الله! به ویژه اگر همراه درخواستی از حضرتش باشد، مشرک شده‌ای!! در حالی که طلب دعا و شفاعت از پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم -، سفارش قرآن کریم است:

«وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» (۱)؛ و اگر آنان، هنگامی که به خود ستم کردند (و فرمان های خدا را زیر پا گذاردند)، به نزد تو می آمدند و از خدا طلب

۱- سوره ی نساء، آیه ی ۶۴.

ص: ۷۹

آمزش می کردند و پیامبر هم برای آن ها استغفار می کرد، خداوند را توبه پذیر و مهربان می یافتند.

و موت و حیات پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - از این جهت مساوی است؛ زیرا قطعاً مقام پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - از هر شهیدی برتر است، در حالی که خداوند متعال درباره ی شهیدان می فرماید:

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (۱)؛ هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.

در آیات متعددی خداوند متعال به پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - فرموده که برای مؤمنین از درگاه خداوند طلب مغفرت نماید، از جمله:

«فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشاورهُمْ فِي الْأَمْرِ» (۲)؛ پس آن ها را ببخش و برای ایشان آمرزش بطلب، و در کارها، با آنان مشورت نما.

و نیز:

«فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذِّنْ لِمَنْ

۱- سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۶۹.

۲- سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۵۹.

ص: ۸۰

شِئْتِ مِنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ اللَّهُ > (۱)؛ هرگاه برای بعضی کارهای خود، از تو اجازه بخواهند، به هر یک از آنان که می خواهی (و صلاح می بینی) اجازه ده، و برایشان از خداوند، آمرزش بخواه.

و:

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ > (۲)؛ پس بدان که معبودی جز الله، نیست، و برای گناه خود و مردان و زنان با ایمان، استغفار کن.

و فرزندان یعقوب علی نبینا و آله و علیه السلام بعد از آن رسوایی، از حضرتش خواستند که برای آنان از درگاه خداوند طلب غفران کند:

يا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا > (۳)؛ ای پدر، برای گناهان ما (از خداوند) آمرزش بخواه.

و یعقوب در پاسخ فرمود:

سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي > (۴)؛ به زودی برای شما از پروردگام آمرزش می طلبم.

و همان طور که گفتیم زنده و مرده ی اولیای الهی

۱- سوره ی نور، آیه ی ۶۲.

۲- سوره ی محمد، آیه ی ۱۹.

۳- سوره ی یوسف، آیه ی ۹۷.

۴- سوره ی یوسف، آیه ی ۹۸.

ص: ۸۱

تفاوتی ندارد و در روایات وارد شده است که خداوند متعال به شهدا فرموده است: درخواست کنید تا اجابت کنم شما را. از جمله روایت جابر:

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَقِينِي رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - فَقَالَ: يَا جَابِرُ! مَا لِي أُرَاكَ مُنْكَسِرًا؟ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! اسْتُشْهِدْتُ أَبِي وَتَرَكَ عِيَالًا وَدِينًا. فَقَالَ: أَفَلَا أُبَشِّرُكَ بِمَا لَقِيَ اللَّهُ بِهِ أَبَاكَ؟ ... فَقَالَ: يَا عَبْدِي تَمَنَّ عَلَيَّ أُعْطِكَ قَالَ: ... يَا رَبِّ فَأَبْلِغْ مَنْ وَرَائِي فَأَنْزَلَ اللَّهُ هَذِهِ الْآيَةَ «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا»... (۱)؛ جابر بن عبدالله انصاری می گوید: رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - مرا ملاقات کرد سپس فرمود: چرا تو را پریشان می بینم؟ گفتم: ای رسول خدا! پدرم به شهادت رسیده و خانواده و دینی را به جای گذارده است. سپس (رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم -) فرمود: آیا بشارت ندهم تو را به آن چه که خداوند به آن ملاقات کرد پدرت را؟ ... پس (پروردگار) می فرماید: ای بنده ی من! از من درخواست کن، تا به تو عطا کنم. (شهید می گوید): ... ای پروردگار من! پس (وضعیت خوب و

۱- سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۸، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء الكتب العربية فيصل عيسى البابي الحلبي، عدد الأجزاء: ۲.

ص: ۸۲

درجات ما را) به باقی ماندگان برسان. در این هنگام خداوند آیه ی «و لا تحسبنّ الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا» را نازل فرمود ...

و نظیر آن، روایت ابن عباس می باشد که حاکم آن را در مستدرک بنا به مبنای مسلم صحیح دانسته است:

... مَن يُبَلِّغُ إِخْوَانَنَا عَنَّا أَنَا أَحْيَاءٌ ... فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنَا أَبْلَغُهُمْ عَنْكُمْ ... (۱)؛ چه کسی به برادران ما می رساند که ما زنده هستیم ... خداوند عَزَّوَجَلَّ فرمود: من از جانب شما می رسانم ...

بنابراین معلوم می شود شهدایی که از این دنیا رخت بر بسته اند نیز می توانند در عالم دیگر از درگاه خداوند درخواست داشته باشند، و درخواست آنان حتی در رابطه با زندگان، مورد اجابت قرار

۱- المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۳۲۵، ناشر: دار الکتب العلمیه بیروت، الطبعة الأولى ۱۴۱۱ هـ. ق، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، عدد الأجزاء: ۴. و نیز ابن ابی شیبیه در المصنّف، ج ۴، صص ۵۶۵ و ۵۸۱؛ و نیز الطبرانی در المعجم الکبیر چنین آورده است: «... لَیْتَ أَنَّ مَن خَلَفْنَا عَلِمُوا مَا أَعْطَانَا اللَّهُ مِنَ الثَّوَابِ لَیْکُونَ أَجْرًا لَهُمْ، فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: أَنَا أَعْلَمُهُمْ ...». ج ۳، ص ۱۴۶، محقق: حمدی بن عبد المجید السلفی، ناشر: مکتبه ابن تیمیه القاهره، الطبعة الثانية، عدد الأجزاء: ۲۵. و در مجمع الزوائد می گوید: رجال آن ثقات می باشند.

ص: ۸۳

گیرد.

و از ابوالدرداء نقل شده است که:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - يَقُولُ: الشَّهِيدُ يَشْفَعُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ (۱)؛ شنیدم از رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - که می فرمود: شهید، هفتاد نفر از اهل بیتش را شفاعت می کند.

پس شهدا دارای مقام شفاعت نیز می باشند. و این گونه مراتب و مقامات که برای شهدا وجود دارد، می تواند برای سایر اولیای الهی نیز باشد. روایات متعددی شاهد بر آن است؛ از جمله:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الشَّهَادَةَ بِصِدْقٍ (مِنْ قَلْبِهِ) بَلَّغَهُ اللَّهُ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَإِنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ (۲)؛ همانا رسول

۱- سنن ابی داود، ج ۷، ص ۴۶؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۰، ص ۵۱۷، ترتیب: الأمير علاء الدین علی بن بلبان الفارسی (المتوفی: ۷۳۹ هـ ق)، حقه و خرج احادیثه وعلق علیه: شعيب الأرئوط، ناشر: مؤسسه الرساله، بیروت، الطبعة الأولى، ۱۴۰۸ هـ ق، عدد الأجزاء: ۱۸ (۱۷ جزء و مجلد فهارس)؛ مسند الشاميين للطبرانی، ج ۳، ص ۲۹۸، محقق: حمدی بن عبدالمجید السلفی، ناشر: مؤسسه الرساله بیروت، الطبعة الأولى، ۱۴۰۵ هـ ق، عدد الأجزاء: ۴.

۲- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۵۱۷، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربی بیروت، عدد الأجزاء: ۵؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۳۵، ناشر: دارالفکر بیروت، تحقیق: محمدفؤاد عبد الباقي، عدد الأجزاء: ۲؛ الجمع بین الصحیحین البخاری و مسلم، ج ۱، ص ۲۶۹، تألیف: محمد بن فتوح الحمیدی، عدد الأجزاء: ۴، دارالنشر/ دار ابن حزم لبنان/ بیروت، ۱۴۲۳ هـ ق، الطبعة الثانية، تحقیق: د. علی حسین البواب؛ سنن البيهقي الكبرى، ج ۹، ص ۱۶۹، ناشر: مكتبة دار الباز مكهالمكرمه، ۱۴۱۴ هـ ق، تحقیق: محمد عبد القادر عطا، عدد الأجزاء: ۱۰؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۸۷، ناشر: دار الکتب العلمیه بیروت، الطبعة الأولى، ۱۴۱۱ هـ ق، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، عدد الأجزاء: ۴؛ و ...

ص: ۸۴

خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمودند: هرکس از خداوند صادقانه (از روی خواست قلبیش) شهادت را طلب نماید، خداوند او را به منازل شهدا می‌رساند اگر چه در بستر از دنیا برود.

بنابراین چنین مقامات و درخواست‌ها و شفاعت‌ها از درگاه خداوند متعال، اختصاص به شهدا ندارد بلکه می‌تواند برای غیر آنان از اولیای الهی نیز باشد.

و کسی توهم نکند که گرچه مردگان می‌توانند از خداوند درخواست کنند، اما درخواست ما به آنان نمی‌رسد؛ چنان که برخی وهابیون ادعا می‌کنند و

ص: ۸۵

حتی به آیه ی شریفه ی «إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى» (۱) تمسک می نمایند؛ زیرا:

اولاً: معلوم شد شهدا و مثل شهدا در حقیقت زنده هستند و ما فقط به این حواس ظاهری خود، زنده بودن آنان را نمی فهمیم.

و ثانیاً معنای آیه ی شریفه آن است: «همان طوری که مرده را نمی توانی هدایت کنی، دل مردگان را نیز نمی توانی هدایت نمایی.»
نه آن که اصلاً نمی شنوند، بلکه آنان هم می توانند بشنوند. خداوند متعال در آیه ای دیگر می فرماید:

«وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بِكُمْ عُمَىٰ قَهُمَ لَا يَعْقِلُونَ» (۲)؛ مثل (تو در دعوت) کافران، به سان کسی است که (به حیوانات) صدا می زند، ولی آن ها چیزی جز سر و صدا نمی شنوند (و حقیقت و مفهوم گفتار او را درک نمی کنند. این کافران، در واقع) کر و لال و نابینا هستند؛ از این رو چیزی نمی فهمند.

از این آیه ی شریفه به روشنی استفاده می شود که

۱- سوره ی نمل، آیه ی ۸۰.

۲- سوره ی بقره، آیه ی ۱۷۱.

ص: ۸۶

كَفَّارٍ مُّعَاذٍ، کلمات پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - را جهت هدایت درک نمی کنند و هدایت نمی شوند، و شنیدن آنان از این جهت، مثل نشنیدن است.

و شاهد واضح دیگری بر این مطلب که مردگان می توانند ندای ما را بشنوند، روایات متعددی است که حضرت رسول - صلی الله علیه و آله و سلم - بعد از آن که کشته های کفار چاه بدر را ندا دادند و برخی با تمسک به آیه ی «إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى»، ابراز شگفتی کردند، حضرت فرمود:

ما أنتم بأسمع منهم ولكن لا يُجيبون (۱)؛ شما از آنان شنواتر نیستید، ولكن آنان جواب نمی دهند.

و نیز مسلم در صحیح خود، چنین آورده است:

قال رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - : إِنَّ الْمَيِّتَ إِذَا وُضِعَ فِي قَبْرِهِ إِنَّهُ لَيَسْمَعُ خَفَقَ نَعَالِهِمْ إِذَا انصَبَ رَفُوا (۲)؛ رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمودند: همانا هنگامی

۱- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۹۸، باب ما جاء فی عذاب القبر، محقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، ناشر: دار طوق النجاة، الطبعة الأولى، ۱۴۲۲ هـ. ق، عدد الأجزاء: ۹؛ و غیر او.

۲- صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۶۲، ناشر: دار الجیل بیروت و دار الأفق الجدیدة بیروت، عدد الأجزاء: ثمانیه أجزاء فی أربع مجلدات.

که میت در قبرش نهاده می شود، به تحقیق می شنود صدای قدم هایشان (شیع کنندگان) را هنگامی که بر می گردند.

ابو داوود در سنن (۱) و حاکم در مستدرک (۲) نیز این روایت را نقل کرده اند.

وقتی مطلب نسبت به افراد عادی چنین باشد، نسبت به مقام عظیم پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - کاملاً روشن است که حضرت - صلی الله علیه و آله و سلم - بعد از رحلت نیز نداها و دعاهای ما را می شنود. در حدیثی که ابن هیثم تصریح کرده روایان آن همه رجال صحیح می باشند، خود حضرت می فرماید:

حیاتی خیر لکم تُحَدِّثُونَ و يُحَدِّثُ لَكُمْ، فَإِذَا أَنَا مُتُّ كَأَنَّتِ وَفَاتِي خَيْرًا لَكُمْ، تُعْرَضُ عَلَيَّ أَعْمَالُكُمْ فَإِنْ رَأَيْتُ خَيْرًا حَمَدْتُ اللَّهَ، وَإِنْ رَأَيْتُ غَيْرَ ذَلِكَ اسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ لَكُمْ (۳)؛ زندگانی من برای شما خیر است، سخن می گوید و

- ۱- سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۶۵۲، ناشر: دار الفکر، تحقیق: محمد محیی الدین عبد الحمید، عدد الأجزاء: ۴.
- ۲- المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۳۸۰، تحقیق یوسف عبد الرحمن المرعشی.
- ۳- مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۴، محقق: حسام الدین القدسی، ناشر: مکتبه القدسی، القاهره، ۱۴۱۴ ه. ق، عدد الأجزاء: ۱۰.

ص: ۸۸

با شما سخن گفته می شود. وفات من برای شما خیر است، اعمال شما بر من عرضه می شود؛ آن چه از خیر بینم، سپاس خداوند گویم و آن چه از بد بینم، از خداوند برای شما طلب غفران می کنم.

در این روایت، حضرت به صراحت بیان می فرماید که اعمال امت «از جمله درخواست های امت» به حضرت عرضه می شود. و حضرت برای کارهای بد امت از درگاه خداوند متعال طلب آمرزش می نماید. پس چه مانعی دارد مردم از حضرت رسول - صلی الله علیه و آله و سلم - بخواهند که در آن عالم، برای برآورده شدن حوائج آنان از درگاه خداوند درخواست کند.

در حقیقت آنان که روی برمی تابند از آن که پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - برای آنان از خداوند متعال درخواست کند، مصداق این آیه ی شریفه می باشند:

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّا رُؤُسِهِمْ وَرَأَيْتَهُمْ يُصَدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ» (۱)؛ هنگامی که به آنان گفته شود: بیایید تا رسول خدا برای شما استغفار کند، سرهای خود را می پیچند و آن ها را می بینی که از سخنان تو اعراض کرده و تکبر می ورزند.

۱- سوره ی منافقون، آیه ی ۵.

ص: ۸۹

وانگهی همان طور که قبلاً گفتیم، فرضاً زنده پنداشتن پیامبر و معصومین - علیهم السلام - و در نتیجه درخواست مشروعی از آنان بی جا باشد، آیا این یعنی عبادت و پرستش این بزرگواران و مساوی شرک در عبادت پروردگار می باشد و موجب هدر بودن جان و مال و ناموس یک مسلمان است؟! پس معلوم می شود مقدمه ی اول یعنی این که: دعا عبادت است، آن گونه که وهابیت معنا می کند، صحیح نیست. بلکه مراد آن است که: کسی که خدا را بخواند این خواندن خدا عبادت است؛ چون خدا را خوانده است. نه این که هر کس دیگری را خواند، عبادت خوانده شده، و شرک به خداوند باشد. و از این جا معلوم می شود، نتیجه ای که گرفته اند: «هر کس غیر خدا را بخواند مشرک است» آن هم به حسب تفسیر آنان غلط است. بلکه معنای صحیح، آن است که: «هر کس غیر خدا را به آن گونه که مخصوص خداوند است بخواند و او را مثلاً خالق عالم و یا معبود بداند، مشرک است.» و گرنه خواندن دیگری و حتی استعانت از او بدون آن که استقلال برای او قائل شویم و با قبول این که ما سوی الله مخلوق و مربوب خداوند متعال می باشیم، هیچ منافاتی با توحید ندارد؛ بلکه

ص: ۹۰

آن چنان که روشن شد، روش ساری و جاری انبیا و اولیای الهی بوده و تعلیم کتاب و سنت می باشد. آیات و روایات می فرماید: غیر خدا را به عنوان خدا و معبود نخوانید نه این که غیر خداوند را اصلاً نخوانید، و این مطلب در کمال وضوح است، به ویژه با توجه به تبیینی که گذشت و تصریح قرآن کریم که:

«وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ» (۱)؛ و با خداوند، معبود دیگری را مخوان.

«فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ» (۲)؛ پس هیچ معبودی را با خداوند مخوان.

«وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ...» (۳)؛ و هر کس با وجود خداوند معبود دیگری بخواند که وی را بر آن حجت و برهانی نیست ...

«وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ» (۴)؛ و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی خوانند.

و ...

شیطان و رهروان راه او، برای دور کردن مردم از اسلام و اولیای اسلام، هیچ راهی بهتر از استفاده از

۱- سوره ی قصص، آیه ی ۸۸.

۲- سوره ی شعراء، آیه ی ۲۱۳.

۳- سوره ی مؤمنون، آیه ی ۱۱۷.

۴- سوره ی فرقان، آیه ی ۶۸.

ص: ۹۱

خود اسلام و اساس اسلام؛ یعنی توحید نیافتند. بدین جهت در مبارزه‌ی با حق، حقّ‌ترین حقیقت را علیه حقایق اسلامی به کار گرفتند، و پاک‌ترین موخّردان را با لجاجتِ تمام، متّهم به شرک نمودند. و دشمنان رسمی اسلام؛ یعنی کفّار و دولت‌های استعماری نیز در وسیع‌ترین میزان از آنان پشتیبانی کردند تا به اسم توحید، حقیقت اسلام را که بالخصوص در اسلام اهل بیت - علیهم السلام - متجلی است، نابود کنند؛ ولکن:

«يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (۱)؛ آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند، ولی خدا نور خود را کامل می‌کند، هر چند کافران خوش نداشته باشند.

خداوند، همه‌ی ما را اهل دعا قرار داده و بر صراط مستقیم پایدار بدارد.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

و آخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۱- سوره‌ی صفّ، آیه‌ی ۸.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

